



مجموعه
روایات
مهدوی

امام مهدی و جوانان علیه السلام

علیه السلام



تقديم به آستان مقدس مولانا
بقية الله الاعظم، حضرت صاحب الزمان
عجل الله تعالى فرجه

امام مهدی ﷺ

و

بانوان حریم ولایت

محرار امام زمان عليه السلام در روايات و تشرقات / تهيه كننده
واحد پژوهش و تحقيق مؤسسه فرهنگي موعود عصر (عج). --
تهران، موعود عصر (عج) -- تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۴.
۷۵ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۶۸-۷۵-۲

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -- احادیث.

۲. فاطمه زهرا (س)، قبل از هجرت - ۱۱ ق. احادیث. الف.

مؤسسه فرهنگي موعود عصر (عج).

۲۹۷/۹۵۹

BP ۵۱/م۳۱۵

۱۵۷۵۵-۸۴ م

کتابنامه ملی ایران

امام مهدی (ع) و بانوان حریم ولایت (چهل حدیث)

تدوین: واحد پژوهش مؤسسه فرهنگي موعود

ناشر: موعود عصر (عج)

سال و محل نشر: تهران، ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰

ش امام مهدی (ع) و بانوان حریم ولایت

انتشارات موعود

قیمت: ۱۵۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978-964-6968-75-2



9

789646

968752

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۷۴. نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۴۷.

فروشگاه اینترنتی www.shop.mouood.com

نشانی: تهران، ص.پ: ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵

شماره تلفن: ۸-۶۶۹۵۶۱۶۷

www.yaranshop.ir

فهرست مطالب

.....	مقدمه
۹	بخش اول: حضرت زهرا و حضرت مهدی علیه السلام
۱۱	دعا برای شیعیان گنهگار
۱۳	مهدی از نسل فاطمه علیها السلام
۱۴	معراج عرصه تجلی و شکوه
۱۶	ستاره درخشان چهره
۱۷	جمال رخسار
۱۹	از دست دادن مادر در کودکی
۲۰	پیشگویی حضرت زهرا علیها السلام درباره...
۲۲	فاطمه الگوی مهدی علیه السلام
۲۴	مهدی علیه السلام آرامش دل زهرا علیها السلام
۲۶	معنای آیه نور
۲۷	سپیده دم شب قدر
۲۹	جایگزین نور آفتاب
۳۱	منصوره و منصور (تأیید به نصر)
۳۲	عظمت مادر هر دو
۳۴	سخن گفتن پیش از تولد
۳۷	سجده و شهادتین پس از تولد

۳۹	 مهدی در حدیث لوح فاطمه
۴۲	 میراث و مصحف فاطمه نزد مهدی
۴۳	 امداد رسانی علمی به شیعیان
۴۶	 طلب یاری از مردم
۴۸	 تبرک به تربت دو سیدالشهدا
۵۰	 محروم شدن از ارث پدر و ...
۵۲	 بی قراری بر مصایب امام حسین
۵۵	 مایه برکت هر خانه ای
۵۶	 فرشتگان خادمان آستان
۵۸	 همسخن فرشتگان
۵۹	 مهدی سر مستودع زهرا
۶۱	بخش دوم: دیگر محارم حضرت مهدی در آینه حدیث
۶۳	 شهربانو مادر امام سجاد
۶۴	 حکیمه خاتون عمه امام عسکری و ...
۶۹	 انتقام از دشمنان حضرت زهرا و ...
۷۱	بخش سوم: محارم حضرت مهدی در آینه تشرفات
۷۳	 منزل حضرت خدیجه خانه
۷۸	 خون گریستن امام زمان در ...
۸۰	 خروش اهل آسمانها در روز رحلت ...
۸۱	 فرمان امام زمان به سوگند دادن به ...
۸۲	 فرمان امام زمان به شرکت در ...
۸۳	 برطرف شدن وبا از شیعیان با ...

سخن ناشر

این اثر که ششمین مجموعه از «چهل حدیث مهدوی» را تقدیم دوستداران و پیروان اهل بیت علیهم السلام، می‌کند، متذکر نسبت، علاقه و انس بانوان حریم ولایت با حضرت مهدی علیه السلام، است. تحفه‌ای که طبع عموم بانوان مسلمان را می‌آراید و بر معرفتشان درباره قدر و جایگاه بانوان دوستدار اهل بیت علیهم السلام، می‌افزاید. امید که هریک از ما توفیق دست یازیدن به دامن پر مهر آن حضرات را حاصل کند و در حلقه محبان ایشان جایگاهی بیابد.

ان شاء الله.

بخش اول

حضرت زهرا

و

حضرت مهدی

دعا برای شیعیان گنهکار

اسماء، همسر جعفر طیار، نقل می‌کند که در لحظات پایان عمر حضرت زهرا علیها السلام متوجه آن بزرگ زنان عالم بودم؛ ایشان ابتدا غسل کرده و سپس لباسهایشان را عوض نمودند و در خانه مشغول به راز و نیاز خداوند متعال شدند. جلو رفتم؛ دیدم در حالی که رو به قبله نشسته‌اند، دستها را بلند کرده و چنین دعا می‌نمایند:

إِلَهِي وَ سَيِّدِي أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ وَ بِيُكَاةٍ وَلَدَيَّ فِي مُفَارَقَتِي أَنْ تَغْفِرَ لِعُصَاةِ شِيعَتِي وَ شِيعَةِ ذُرِّيَّتِي.^۱

پروردگارا و بزرگا! به حق آنها که ایشان را برگزیدی و به گریه‌های فرزندانم [حسن و حسین] در فراق من، از تو می‌خواهم گنهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان مرا ببخشایی.

سید بن طاووس نقل کرده که:

سحرگاهی در سرداب مقدس امام زمان علیه السلام در سامرا بودم. ناگهان صدای حضرت را شنیدم که برای شیعیان خود چنین دست به دعا برداشته بودند:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ اَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طَيِّبَتِنَا وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيْرَةً اِتْكَالًا عَلٰى حُبِّنَا وَ لَا يَتِيْنَا فَاِنْ كَانَتْ ذُنُوْبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِيْنَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيْنَا بَيْنَهُمْ فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَ قَاصِّ بِهَا عَنْ حُصَيْنَا وَ اَدْخِلْهُمْ

۱. نهج الحياة، ص ۱۴۸.

الْجَنَّةَ فَزَحْزَحُهُمْ عَنِ النَّارِ وَلَا تَجْمَعُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِكَ
فِي سَخَطِكَ.^۱

خدایا شیعیان ما از شعاع نور ما و باقیمانده طینت ما آفریده
شده‌اند و گناهان زیادی را با اتکا به محبت و ولایت ما، مرتکب
شده‌اند؛ اگر گناهان آنها، مربوط به خود توست از آنها بگذر تا ما
راضی شویم و اگر گناهان آنها به آنچه در میان خودشان است
مربوط می‌شود، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که
حق ماست به آنها بده تا راضی شوند و ایشان را به بهشت وارد
کن و از آتش دور بدار و آنها را در عذاب خود با دشمنان ما
شریک [و همنشین] منما.

۱. العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۴۹.

مهدی علیه السلام از نسل فاطمه علیها السلام

در منابع مختلف و متعدد شیعی و سنی، تعبیر مختلفی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ.^۱

مهدی، از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

۱. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان علیه السلام، ص ۸۹

معراج عرصه تجلی و شکوه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

لَيْلَةُ عُرْجِ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا:
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ؛ عَلِيُّ حَبِيبِ اللَّهِ؛ الْحَسَنُ
وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ؛ فَاطِمَةُ خَيْرَةُ اللَّهِ؛ عَلَى مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ
اللَّهِ.^۱

شبى که مرا به آسمان عروج دادند، دیدم که بر در بهشت نوشته
است:

معبودی جز الله نیست؛ محمد رسول خداست؛ علی حبیب
پروردگار است؛ حسن و حسین برگزیده خدايند؛ فاطمه اختيار
شده و منتخب پروردگار است؛ لعنت خدا بر دشمنان آنان باد.

جارود بن منذر عبدی نقل می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به
وى فرمودند:

يَا جَارُودُ! لَيْلَةُ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ، أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
إِلَيَّ أَنْ: «سَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا»^۲، عَلَى مَا
بُعِثْتُمْ؟

قَالُوا: عَلَى نُبُوتِكَ وَ وِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَيْمَةِ
مِنْكُمْ.

۱. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۵۹: فرائد السمطين، ج ۲، ص ۷۴.

۲. سورة زخرف (۴۳)، آیه ۴۵.

حضرت زهراء علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام ■ ۱۵

ثُمَّ أَوْحَى إِلَيَّ: أَنْ التَّفَيْتُ عَلَى يَمِينِ الْعَرْشِ. فَالْتَفَتْتُ؛ فَإِذَا:
عَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ
و جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ
مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْمَهْدِيُّ
فِي ضَخْضَاخٍ مِنْ نُورٍ، يُصَلُّونَ.
فَقَالَ لِي الرَّبُّ تَعَالَى: هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ أَوْلِيَائِي، وَ هَذَا الْمُنْتَقِمُ
مِنْ أَعْدَائِي.^۱

ای جارود! شبی که من به آسمانها برده شدم، خداوند متعال به
من وحی فرمود: از پیامبرانی که پیش از تو برانگیخته شده‌اند
بپرس که آنها برای چه مبعوث شده‌اند؟

[پیامبران] گفتند: ما به خاطر رسالت تو، ولایت علی بن ابی
طالب و امامان از نسل شما مبعوث شده‌ایم.

آنگاه به من وحی شد: به سمت راست عرش نگاه کن. چون نگاه
کردم، دیدم که: علی، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن
علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد
بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی، و مهدی - در هاله‌ای از
نور - مشغول نماز هستند.

۱. کنز الفوائد، ص ۲۵۸؛ مقتضب الأثر، ص ۳۷؛ المحتضر، ص ۱۵۱؛ إثبات
الهداة، ج ۳، ص ۲۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۹۷، ج ۲۶، ص ۳۰۱ و عوالم، ج
۱۵، ص ۲۹.

ستاره درخشان چهره

ابوهاشم عسکری از امام هادی (ع) پرسید: چرا حضرت فاطمه (ع) را زهرا نامیده‌اند؟ حضرت پاسخ دادند:

كَأَنَّ وَجْهَهَا يَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ كَالشَّمْسِ
الضَّاحِيَّةِ وَ عِنْدَ الزَّوَالِ كَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ وَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ
كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ.^۱

چهره ایشان، در آغاز، روز چون خورشید فروزان و در میان
روز، چون ماه تابان و در پایان روز چون ستاره‌ای درخشان
برای امیرالمؤمنین (ع) پرتوافشانی می‌کرد.

پیامبر اکرم (ص) درباره حضرت صاحب (ع) فرمودند:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي؛ وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ. أَلَلُّونُ لَوْنُ
عَرَبِيٍّ وَالْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِيٍّ. يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَذْلًا كَمَا مِلَّتْ
جَوْرًا يَرْضَى لِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ.

مهدی از تبار من است؛ چهره‌اش همانند ستاره‌ای درخشان،
سیمایش سیمای عربی، و هیکلش هیکل اسرائیلی است.^۲ زمین
را پر از عدل و داد کند، آن چنانکه پر از ستم شده باشد. اهل
آسمان و زمین از خلافتش دلشاد می‌شوند.^۳

۱. کوثر ولایت، صص ۲۹-۲۷.

۲. یعنی: قامتش بلند و رشید است.

۳. إسعاف الراغبین، ص ۱۳۴ (در حاشیه نور الأخبار).

جمال رخسار

درباره زیبایی حضرت زهرا علیها السلام در دنیا و آخرت روایات متعددی نقل شده که برخی از آنها عبارتند از:

لَوْ كَانَ الْحُسْنُ شَخْصًا لَكَانَ فَاطِمَةً.

اگر نیکویی در شخصی تجسم می یافت، قطعاً فاطمه علیها السلام بود.

يَا أَبَا الْحَسَنِ! مَا أَحْسَنَ زَوْجَتُكَ وَ أَجْمَلَهَا! أَبْشِرْ فَقَدْ زَوْجَتُكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ^۱....

حضرت علی علیه السلام نقل می کنند که هرگاه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها می شدند، حضرت به ایشان می فرمودند:

ای اباالحسن! همسرت چه نیکو و زیباست. مژده باد تو را به ازدواج سرور بانوان جهانت درآوردم زیباتر از حورالعین چهار زن با فضیلت عالم گیر هستند که برتری آنان بر حورالعین به سان برتری خورشید بر سایر ستارگان است؛ این چهار زن عبارتند از: آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه زهرا علیها السلام.^۲

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام هم نقل شده است:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي. وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِّيِّ؛ اللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ وَ الْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِيٍّ.

مهدی از نسل من است. سیمايش چون ماه تابان و چهره اش

۱. فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى صلی الله علیه و آله، ص ۴۷۸.

۲. عوالم العلوم، ص ۱۰۹.

۱۸ ■ امام مهدی عج و بانوان حرم ولایت

گرد و درخشان است. رنگش عربی (گندمگون) و جسمش
اسرایلی (راست قامت و تا حدی بلندقد) است.^۱
الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ؛ عَلَيْهِ جَلَائِبُ الثُّورِ.
مهدی طاووس اهل بهشت است که هاله‌ای از نور او را احاطه
کرده است.^۲

از امام رضا عج هم روایت شده است:

هُوَ شَبِيهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جَلَائِبُ الثُّورِ
تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ الْقُدُسِ. مُوصُوفٌ بِإِعْتِدَالِ الْخَلْقِ وَ نَضَارَةِ
اللَّوْنِ.^۳

سیمای او شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، هاله‌ای از نور
او را احاطه کرده. نور الهی از چهره‌اش ساطع است. با خلقت
معتدل و درخشش چهره شناخته می‌شود.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۷۸.

۲. منتخب الأثر، ص ۱۴۷.

۳. همان، ص ۴۲۲.

از دست دادن مادر در کودکی

حضرت زهرا علیها السلام هنگامی که در خردسالی داغدار فراق غمبار مادر بی همتایش شد، گریان به دور پدر می چرخید و می پرسید: پدر جان! مادرم کجاست؟ جبریل امین در جواب بی تابی ایشان بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و پیام آورد که: ای پیامبر! به فاطمه بگو مادرش اینک در بهشت پرتراوت و زیبای خدا در کاخی از در سفید و لؤلؤ در کنار بانوانی چون مریم و آسیه است.^۱

حضرت مهدی علیه السلام هم، پیش از شهادت پدر بزرگوارشان شاهد وفات مادر بامنزلهت خویش و داغدار از دست دادن عزیزی بی همتا گشتند. جریان آن از این قرار است که امام عسکری علیه السلام، حضرت نرجس علیها السلام را از حوادث آینده باخبر می کنند. ایشان هم از امام علیه السلام درخواست می کنند که از خدا بخواهند تا مرگشان را پیش از شهادت حضرتش برسانند در نهایت آن بانو در زمان حیات امام عسکری علیه السلام و در دوران خردسالی حضرت مهدی علیه السلام، به دیدار حق می شتابند.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۷؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۵۲.
۲. کمال الدین (با ترجمه فارسی)، ج ۲، صص ۱۵۷ - ۱۵۶.

پیشگویی حضرت زهرا س در باره حوادث آخرالزمان

حضرت فاطمه س در عیادت زنان مهاجران و انصار در طول مدت بیماری خویش که منجر به شهادتشان شد، بیاناتی فرمودند که قسمتی از آن را با هم مرور می‌کنیم:

أَمَّا لَعْمُرِي لَقَدْ لَقَحْتُ قَنْطَرَةً رِيثَمَا تُنْتَجُ ثُمَّ اخْتَبِلُوا مِلَاءَ الْقَعْبِ دَمًا غَبِيظًا وَ رَغَافًا مَبِيدًا هُنَالِكَ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ يُعْرِفُ الطَّالُونَ غُبَّ مَا أُسِّسَ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طَبَّيُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُسًا وَ اطْمَأَنَّنُوا لِلْفِتْنَةِ خَاشَاً وَ أَبْشَرُوا بِسَيْفٍ ضَارِمٍ وَ سَطْوَةٍ مُعْتَدٍ غَاشِمٍ وَ يَهْرُجُ شَامِلٍ^۱

آگاه باشید! به جان خودم سوگند که راه اعراض و روگردانی از خیر و حقیقت و احکام اسلام [از همین اعمال مردمان، مبنی بر غصب خلافت علی ع و ابداع نوآوریها] مهتای می‌شود، و به زودی نتیجه آن، که ریختن خون بسیار است، ظاهر می‌شود در این جنگ و ستیزهایی که در آن هیچ نفع و اثری نیست، مردم توسط سموم هلاک‌کننده‌ای به سرعت می‌میرند [که احتمالاً از ریختن بمبهای شیمیایی ناشی می‌شود و در زمان ما کاملاً رایج است و در جنگها به کار می‌رود]؛ اینجاست که افراد باطل زیان می‌بینند و از دیگران شناخته می‌شوند؛ اینها همه نتیجه اعمال پس از رحلت رسول

حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام ■ ۲۱

خداست که به ظواهر مادی دنیا دل خوش داشتند، و به چند روز ریاست آن راضی شدند.

حاشا! بشارت دهید آن زمان را به اختلاف و هرج و مرجی که ایجاد می‌گردد، و کشتار زیادی که دامنگیر امت اسلام می‌شود.^۱

۱. منظور حضرت، این است که سرانجام اعراض از قوانین الهی، دروغ، خدعه، زیانکاری، جنگ و اختلاف است که منجر به ریختن خونها، بدون هیچ نفع و اثری می‌گردد و موجب هتک اموال و حرمت مسلمین می‌شود، و گناه آن بر مهاجران و انصاری است که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتد شدند به جز هفت یا چهار یا سه تن [بنا به روایات مختلف] و یا... [که بر دین خود استقامت ورزیده و پیرو راستین اسلام باقی ماندند و تشیع نام گرفتند، و جز اینها، همه به نفسانیات و تمایلات خویش و به مُشْتَهَاتِ دنیوی رضایت دادند، و پنداشتند که عمل نیکی انجام می‌دهند، تنها پشتیبانشان، اطمینان به دو روز دنیا جهت رسیدن به لذایذ و شهرات و ریاست و مقام دنیوی بود و زیستن در منجلاّب نادانیها و جهالتهاشان و در حسیض فساد و فقر فکریشان].

سرانجام، این فرجامها تا ظهور حضرت ادامه خواهد داشت، چنانچه در این زمان، [همین اختلافات، کشت و کشتارها، جنگ و گریزها، عداوت و دشمنیها و فقر و جهالتها] را مشاهده می‌کنیم.

آن چیزی که در مورد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در کتب اخبار مثل کافی و غیر از آن فهمیده می‌شود، و در اینجا تذکر آن واجب می‌باشد این است که آن حضرت علیها السلام، همچون پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار دارای علم لدّنی و واقف به تمام فتنه‌ها از زمان رحلت پیامبر تا ظهور حضرت حجت بوده، و برای خواص اطرافیان و اصحاب سرّ خود، نقل می‌نموده‌اند، که با تتبع در روایاتی که از ایشان یا درباره ایشان رسیده است، می‌توان نسبت به آن تعیین کرد.

فاطمه الكوى مهدى عجته

در ضمن توقيعات حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - که در پاسخ گروهی از شیعیان توسط نخستین نائب خاص آن حضرت پس از اظهار تأسف از ضعف اعتقادی شیعیان از نشانه‌های بازگشده از طرف حجج الهی گفتگو و آنگاه پندهای مهمی برای عصر غیبت بیان شده، و در پایان آمده است:

وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.^۱

در دختر پیامبر ص برای من اسوه خوبی است.

از این تعبیر شخصیت والای حضرت زهراى مرضیه عجته به خوبی روشن می‌شود، زیرا یکتا حجت بازمانده پروردگار که برای همه انسانها در طول قرون و اعصار، اسوه و حجت هستند، حضرت زهرا عجته را اسوه خود معرفی می‌کنند.

این توقیع شریف مؤید حدیثی است که از امام حسن عسکری عجته روایت شده است که فرمود:

نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، وَ فَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا.^۲

ما حجت خدا بر مردم هستیم، و فاطمه عجته حجت خدا بر ما می‌باشد.

و در جلالت قدرش همین بس که امام باقر عجته می‌فرماید:

۱. کلمة الإمام المهدى عجته، ص ۲۴۱. الغيبة شیخ طوسی، ص ۱۷۳. الاحتجاج، ص ۴۶۷. بحار الأنوار ج ۵۳، ص ۱۷۸.
۲. تفسیر الطیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۳۵.

حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام ■ ۲۳

وَلَقَدْ كَانَتْ رَبِّهِ مَفْرُوضَةً الطَّاعَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ
الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ.^۱
حضرت فاطمه علیها السلام بر همه مخلوقات خداوند، از جن و
انس و پرنده و درنده و پیامبران و فرشتگان واجب اطاعه
بود.

۱. دلائل الإمامة، ج ۲۸.

مهدی (ع) آرامش دل زهرا (ع)

روزی حضرت زهراى مرضيه (ع) بر پدر بزرگوار خویش وارد شد و چون شدت بیماری پدر را مشاهده کرد، به گریه افتاد؛ پدر بزرگوارش فرمود:

مَا يُبْكِيكِ يَا فَاطِمَةُ؟

چه چیز سبب گریه تو شد، ای فاطمه؟

گفت:

أَخْشَى الضَّيْعَةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

از ضایع شدن می ترسم ای رسول خدا.

فرمود:

يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِطْلَعَ عَلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً عَلَى خَلْقِهِ، فَاخْتَارَ مِنْهُمْ أَبَاكَ؛ فَبَعَثَهُ نَبِيًّا، ثُمَّ إِطْلَعَ ثَانِيَةً فَاخْتَارَ مِنْهُمْ بَعْلَكَ؛ فَأَوْحَى إِلَيَّ أَنْ أُنكِحَهُ فَاطِمَةَ، فَأُنْكِحُكَه إِثَّاكَ وَ اتَّخَذْتُه وَصِيًّا. أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بِكَرَامَةِ اللَّهِ تَعَالَى إِثَّاكَ زَوْجَكَ أَغْزَرَهُمْ عِلْمًا، وَ أَكْثَرَهُمْ حِلْمًا، وَ أَقْوَمَهُمْ سِلْمًا؟

يَا فَاطِمَةُ! وَ لِعَلِّي تَمْنِيَةُ أَضْرَاسِ إِيمَانٍ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ، وَ حِكْمَتُهُ، وَ زَوْجَتُهُ، وَ سِبْطَاهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، وَ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ.

يَا فَاطِمَةُ! نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ أُعْطِينَا سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ، وَ لَا يُدْرِكُهَا أَحَدٌ مِنَ الْآخِرِينَ غَيْرُنَا: نَبِيُّنَا خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ وَصِيُّنَا خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَ هُوَ بَعْلُكَ، وَ شَهِيدُنَا خَيْرُ

حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام ■ ۲۵

الشَّهْدَاءِ وَ هُوَ عَمُّ أَبِيكَ، وَ مِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي
الْجَنَّةِ حَيْثُ يَشَاءُ وَ هُوَ جَعْفَرُ، وَ مِنَّا سِبْطُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُمْ
إِبْنَاكَ، وَ مِنَّا مَهْدِيُّ الْأُمَّةِ الَّتِي يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى بْنُ
مَرْيَمَ.^۱

[ای فاطمه!] خداوند متعال نگاهی به روی زمین و مخلوقاتش
نمود و قدرت را از میان آنها برگزید و او را به پیامبری برانگیخت.
یک بار دیگر نگاهی کرد و همسرت را از میان آنها برگزید و به من
وحی نمود که تو را به ازدواج او در آورم، پس من تو را به
همسری او در آوردم و او را به جانشینی خود برگزیدم. مگر
نمی دانی که به جهت کرامت تو در نزد پروردگار است که تو را به
کسی تزویج نمود که دانشش از همه برتر، بردباری اش از همه
بیشتر، و اسلامش از همه مستحکم تر است.

حضرت فاطمه علیها السلام تبسمی کرد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افزود:

ای فاطمه! برای علی هشت منقبت است: ایمانش به خدا و
پیامبرش، دانش او، همسر او، دو فرزند او، و امر به معروف و
نهی از منکر او.

ای فاطمه! ما خاندانی هستیم که شش امتیاز به ما داده شده که به
احدی از گذشتگان داده نشده و به کسی نیز در آینده اعطا
نخواهد شد: پیامبر ما اشرف پیامبران است، وصی ما برترین
اوصیاست و آن همسر توست، شهیدان ما از هر شهیدی برتر
است و آن عموی پدر توست، کسی که با دو بال در بهشت پرواز
می کند از ماست و آن جعفر است، دو سبط امت از ماست و آن
دو پسر توست، آن مهدی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز
می خواند از ماست.

آنگاه بر شانه امام حسین زد و فرمود:

مهدی امت از نسل اوست.

۱. الإمام الثانی عشر، ص ۶۶: البیان، ص ۱۲۰: مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۴۱.

معنای آیه نور

آیه ۳۵ سوره نور با توجه به تکرار کلمه نور در آن به آیه نور مشهور است. حضرت امیر عج سخنان جانبی درباره این آیه فرموده‌اند که با هم آن را مرور می‌کنیم.

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: به مسجد کوفه داخل شدم. دیدم حضرت امیرالمؤمنین، صلوات الله و سلامه علیه، با انگشت چیزی می‌نویسد و تبسم می‌کند.

عرضه داشتم: یا امیرالمؤمنین! چه چیز موجب خنده شما شده است؟ فرمود:

عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْرَأْ هَذِهِ الْآيَةَ وَلَمْ يَعْرِفْهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا

در شگفتم از کسی که این آیه را می‌خواند ولی آن طور که شایسته است، به معنی آن معرفت ندارد. عرض کردم: کدام آیه یا امیرالمؤمنین؟ فرمود:

اللهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ وَ مَشَكَاتٍ: حضرت محمد ص است؛ فیها مِصْبَاحٌ مصباح: من هستم؛ فی زُجَاجَةٍ زجاجه: حسن و حسین هستند؛ کَانَتْهَا كَوَكَبٌ دُرِّيٌّ و او علی بن الحسین است؛ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ محمد بن علی است؛ زُيْتُونَةٍ جعفر بن محمد است؛ لَأُشْرِقِيَّةٍ موسی بن جعفر است؛ وَلَأُغَرِّيَّةٍ علی بن موسی [الرضا] است؛ یُكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ، محمد بن علی است؛ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ علی بن محمد است؛ نُورٌ علی نور حسن بن علی است؛ یَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ یُشَاءُ قائم مهدی است که درود بر آنان باد؛ وَ یُضْرِبُ اللهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ع.

سپیده دم شب قدر

امام صادق علیه السلام فرمودند:

فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ.^۱

هر کس به شناخت حقیقی از فاطمه علیها السلام، دست یابد بی گمان،
شب قدر را درک کرده است.

وقتی از آن حضرت می پرسند: آیا آنچه که در شب قدر ممتاز و
پراکنده می شود، همان اموری است که خداوند متعال در آن تقدیر
می کند؟ امام ششم علیه السلام پاسخ می دهند:

لَا تُوصَفُ قُدْرَةُ اللَّهِ [لِأَنَّهُ قَالَ: فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ فَكَيْفَ
يَكُونُ حَكِيمًا إِلَّا مَا فَرَّقَ]، وَلَا يُوصَفُ قُدْرَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِأَنَّهُ
يُحْدِثُ مَا يَشَاءُ، وَ أَمَّا قَوْلُهُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ يَعْنِي
فَاطِمَةَ علیها السلام وَ قَوْلُهُ تَعَالَى: تَنْزِلَ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا
وَالْمَلَائِكَةُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ
آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ الرُّوحُ الْقُدُسُ وَ هِيَ [هُوَ فِي]
فَاطِمَةَ علیها السلام، مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ يَقُولُ كُلُّ أَمْرٍ سَلَمَةٌ مُسَلَّمَةٌ، حَتَّى
مَطْلَعِ الْفَجْرِ يَعْنِي (حَتَّى) يَقُومَ الْقَائِمُ علیه السلام.^۲

قدرت خداوند توصیف نمی شود [زیرا که او فرموده: در آن شب

۱. کوثر ولایت، ص ۱۴.

۲. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۸۱۸.

۲۸ ■ امام مهدی (ع) و بانوان حریم ولایت

هر امری، با حکمت، ممتاز و جدا می‌شود؛ پس چگونه امری با حکمت خواهد بود مگر آنچه را که او ممتاز ساخته؟ | و قدرت خداوند سبحان وصف‌ناپذیر است زیرا که او آنچه را بخواهد پدید می‌آورد و اینکه فرموده: «از هزار ماه بهتر است» یعنی: حضرت فاطمه (ع) و اینکه خدای تعالی فرموده: «فرشتگان و روح در آن شب فرود می‌آیند» فرشتگان در اینجا مؤمنانی هستند که علم آل محمد (ع) را دارند «والروح» روح القدس است و آن [در] فاطمه (ع) می‌باشد «از هر امر [و فرمان و سرنوشتی] سلام و رحمت است» یعنی: هر امری که تسلیم‌کننده‌اش آن را تسلیم کند، «تا طلوع سپیده‌دم» یعنی: (تا وقتی که) قائم (ع) قیام کند.

جایگزین نور آفتاب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

بَيْنَمَا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ يُنْعَمُونَ وَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ يُعَذَّبُونَ إِذْ لَأَهْلِ الْجَنَّةِ نُورٌ ساطِعٌ. فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: مَا هَذَا النُّورُ؟ لَعَلَّهُ رَبُّ الْعِزَّةِ أَطْلَعَ فَنَظَرَ إِلَيْنَا. فَيَقُولُ لَهُمْ رِضْوَانٌ: لَا. وَلَكِنَّ عَلِيًّا عليه السلام مَزَّاحَ فَاطِمَةَ علیها السلام فَتَبَسَّمَتْ فَاضَاءَ ذَلِكَ مِنْ ثَنَائِهَا.^۱

هنگامی که اهل بهشت، در بهشت غرق نعمت و اهل جهنم در آتش معذبند، ناگهان نوری اهل بهشت را در بر می‌گیرد و به هم می‌گویند شاید که خداوند بزرگ به ما نظر کرده است. رضوان [که نگهبان بهشت است] به آنها می‌گوید: نه این چنین نیست بلکه علی علیه السلام با [حضرت] فاطمه مزاحی کرده و فاطمه علیها السلام تبسم نموده است و این نور پرتوی از نور درخشان دندانهای فاطمه علیها السلام است.^۲

در مورد درخشش نور حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور هم ذیل

۱. عوالم العلوم فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۱۴۵.

۲. ابن عباس هم می‌گوید: «در حالی که بهشتیان در بهشت ساکن می‌شوند، نوری را می‌بینند که بهشت را روشن می‌کند. عرضه می‌دارند: خدایا! در قرآن گفتی که در بهشت خورشیدی نخواهید دید. [پس این نور چیست]؟ آنگاه هاتقی ندا در می‌دهد که این نور، نه خورشید است و نه نور ماه بلکه علی و فاطمه علیهم السلام از چیزی تعجب کرده و خندیدند و بهشت از نور آن در روشن شده است.» بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۴۵.

۳۰ ■ امام مهدی عج و بانوان حريم ولايت

آیه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^۱ امام ششم عج فرمودند:
رَبُّ الْأَرْضِ يَعْنِي إِمَامَ الْأَرْضِ، قُلْتُ: فَإِذَا خَرَجَ يَكُونُ مَاذَا؟
قَالَ: إِذَا يَسْتَعِينِي النَّاسُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ نُورِ الْقَمَرِ وَ
يَجْتَرُّونَ بِنُورِ الْإِمَامِ.
پروردگار زمین یعنی امام زمین. عرض کردم: هرگاه ظهور کند
چه می شود؟ فرمود:
در آن صورت مردم از نور آفتاب و نور ماه بی نیاز می شوند و به
نور امام اکتفا می کنند.

۱. سورة زمر (۳۹)، آیه ۶۹.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۳.

منصوره و منصور (تحت حمایت و پشتیبانی)

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خویش از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که از جبرئیل پرسیدند که: چرا حضرت زهرا علیها السلام در آسمان منصوره و در زمین فاطمه نامیده شده است؟ که جواب می‌دهند:

سُمِّيَتْ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةً لِأَنَّهَا قَطَمَتْ شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَ قَطَمَ أَعْدَائُهَا عَنْ حُبِّهَا وَ هِيَ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ^۱ يَعْنِي نَصْرُ فَاطِمَةَ لِمُحِبِّيَّهَا.^۲

او را در زمین فاطمه، نامیده‌اند چرا که شیعیانش را از آتش دور کرده و نجات می‌دهد و دشمنانش هم از محبت او بی‌نصیب می‌مانند؛ و در آسمان، منصوره است؛ به استناد این فرموده خداوند متعال که «در آن روز مؤمنان با یاری خدا شادمان می‌شوند چرا که [خداوند] هر که را بخواهد یاری می‌کند» که منظور، همان یاری کردن فاطمه علیها السلام برای دوستدارانشان است.

امام باقر علیه السلام ذیل آیه وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً^۳ فرمودند:

هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام قُتِلَ مَظْلُوماً وَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ وَ الْقَائِمُ

۱. سوره روم (۳۰)، آیه ۴.

۲. جلوه نور، صص ۷۶-۷۵.

۳. سوره بنی اسرائیل (۱۷)، آیه ۳۳.

مِثَالِهِ إِذَا قَامَ طَلَبَ بِشَارِ الْحُسَيْنِ (ع) فَيَقْتُلُ حَتَّى يُقَالَ قَدْ
 أَشْرَفَ فِي الْقَتْلِ قَالَ: الْمُسَمَّى الْمَقْتُولُ الْحُسَيْنُ (ع)، وَ وَلِيُّهُ
 الْقَائِمُ (ع)، وَالْإِشْرَافُ فِي الْقَتْلِ أَنْ يَقْتُلَ غَيْرَ قَاتِلِهِ، «إِنَّهُ كَانَ
 مَنْصُورًا» فَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَصِرَ رَجُلٌ مِنْ آلِ
 الرَّسُولِ (ص) يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ
 ظُلْمًا.^۱

او حسين بن علي (ع) است که مظلوم کشته شد. و مايم اوليای
 او، و قائم آنقدر می کشد تا اینکه گفته شود در کشتن اسراف کرد،
 فرمود: آنکه مقتول نامیده شده حسين (ع) است و ولی او قائم (ع)
 است و اسراف در قتل آن است که غیر قاتلش را بکشد، «او
 منصور مؤید است» یعنی: همانا دنیا به پایان نرسد تا اینکه مردی
 از آل رسول [رسول خدا] (ص) [مردم را به] یاری بطلبد که زمین
 را از قسط و عدل آکنده سازد همچنان که از جور و ظلم پر شده
 است.

عظمت مادر هر دو

حضرت خدیجه علیها السلام بانویی بزرگوار و بی‌همتا بودند^۱ که تمام ثروت خویش را به عشق حضرت محمد صلی الله علیه و آله و برای تبلیغ و ترویج اسلام، در راه خدا بخشیدند و همه زندگی خود را به پای حضرتش ریختند^۲ و به سبب ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متحمل رنجها و مشقتها بسیاری شدند. در توضیح عظمت ایشان همین بس که تا یکسال پس از وفات آن بانوی دو جهان، حضرت رسول صلی الله علیه و آله نخندیدند و پس از آن هم هرگاه ذکر نام و یاد ایشان می‌شد، می‌گریستند؛ تعلق خاطر حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله به این بانوی کریم به قدری زیاد بود که حسادت برخی از همسران ایشان را که از حیث ایمانی در سطح بقیه نبودند، برمی‌انگیخت.^۳

هنگامی که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: «قائم آل محمد صلی الله علیه و آله چه

۱. ر. ک: بحار الأنوار، ج ۴۳، صص ۹ و ۱۹؛ مسند احمد، ج ۱۲، ص ۵۱۱ و...
 ۲. اسلام پس از فرود بر قلب و زبان پیامبر صلی الله علیه و آله با دو عامل بسط و گسترش یافت: اقتدار، جهاد، شهامت، فداکاری و از خودگذشتگی شهسوار اسلام، علی علیه السلام؛ ثروت و امکانات بانوی حجاز خدیجه کبری علیها السلام، سیره و سیمای ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله، ص ۸۶۲ به نقل از فاطمة الزهراء علیها السلام من المهدی إلى اللحد، ص ۲۶۶.
 ۳. یک مرتبه که این حسادت به شدت برانگیخته شده بود، حضرت در عکس العمل به حس ناشایست او فرمودند: «به خدا سوگند که او برتر از خدیجه به من نداده است. او هنگامی ایمان آورد که دیگران کفر ورزیدند؛ آن گاه مرا تصدیق کرد که دیگران دروغگو پنداشتند؛ آن زمانی ثروت فراوان خود را به پایم ریخت که دیگران محروم ساختند و خدا نسل مرا در فرزندان او قرار داد.» تذکرة الخواص ص ۳۰۳.

۳۴ ■ امام مهدی عج و بانوان حريم ولايت

کسی است؟» فرمودند:

الرَّابِعُ مِنْ وَلَدِي، ابْنُ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ^۱ :

او چهارمین فرزند از تبار من است. او فرزند بانوی کنیزان است.

و هنگامی که همین سؤال از امام صادق عج پرسیده شد:

فرمودند:

هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِ ابْنِي مُوسَى، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ^۲.

او پنجمین فرزند از تبار پسر من موسی (بن جعفر) است، او پسر

بانوی کنیزان است.

که علاوه بر این دو روایت، جریان ازدواج ایشان به خوبی

عظمت شخصیتی آن بانو را متجلی می سازد.^۳

۱. اعلام الوری، ص ۴۰۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

۳. ر. ک: کمال الدین (ترجمة جنگیز پهلوان)، ج ۲، صص ۱۴۳ - ۱۳۲ (باب ۴۱).

سخن گفتن پیش از تولد

حضرت فاطمه علیها السلام در طول مدتی که در رحم مادر بودند، با ایشان صحبت می کردند. حضرت خدیجه علیها السلام این مطلب را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مخفی کرده بودند تا اینکه روزی حضرت به منزل آمدند و دیدند آن بانو در حال صحبت هستند بی آنکه کسی غیر از ایشان در منزل باشد. وقتی از ایشان می پرسند: با چه کسی صحبت می کردی؟ پاسخ می دهند: «بانو زادی که در رحم من است، او همیشه با من صحبت می کند» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

بشارت بر تو باد خدیجه! خداوند، این دختر را مادر بزرده جانشین من قرار داده که پس از من و پدرشان خواهند آمد.^۱

حکیمه خاتون علیها السلام نقل می کند:

فَلَمْ أَزَلْ أَرْقُبُهَا إِلَى وَقْتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَ هِيَ نَائِمَةٌ بَيْنَ يَدَيَّ لَا تَغْلِبُ جَنْبًا إِلَى جَنْبٍ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَقْتُ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَ ثَبَتَ فَرْعَةٌ فَضَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي وَ سَمَّيْتُ عَلَيْهَا. فَصَاحَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ قَالَ: إِقْرَأِي عَلَيْهَا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهَا وَ قُلْتُ لَهَا: مَا حَالُكَ؟ قَالَتْ: ظَهَرَ الْأَمْرُ الَّذِي أَخْبَرَكَ بِهِ مَوْلَايَ. فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهَا كَمَا أَمَرَنِي فَأَجَابَنِي الْجَنِينُ مِنْ بَطْنِهَا يَقْرَأُ كَمَا أَقْرَأُ وَ سَلَّمَ

۱. إحقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۲؛ نیز مشابه آن بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸۰ و...

عَلَّی^۱.

طبق دستور امام حسن عسکری علیه السلام در شب نیمه شعبان همواره مراقب نرجس خاتون بودم. وی در خواب بود و همه چیز به آرامی می‌گذشت و چون نزدیک طلوع فجر شد، ناگهان [به سبب دردی شدید] با ناله از جای برخاست. ایشان را به سینه چسبانده و نام خداوند (بسم الله الرحمن الرحيم) را بر او خواندم. در این هنگام امام عسکری علیه السلام ندا در دادند که «سوره قدر بر او بخوان». و من شروع به خواندن آن سوره کردم و شنیدم بچه‌ای که در رحم نرجس است به من جواب می‌دهد و همراه با من سوره را تلاوت می‌کند و به من سلام کرد.

سجده و شهادتین پس از تولد

حضرت فاطمه علیها السلام بلافاصله پس از تولد به سجده افتادند^۱ و گفتند:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ بَعْثَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَوُلْدِ سَيِّدِ الْأَسْبَاطِ.^۲

شهادت می‌دهم که خداوندی جز الله نیست و رسول الله سرور پیامبران و شوهرم، سرور اوصیا و فرزندانم، سرور اسباط (فرزندان پیامبران) هستند.

از غیاث بن اسد روایت شده که از جناب محمد بن عثمان عمری [که یکی از ثواب اربعه امام زمان علیه السلام بوده است] شنیدم که می‌فرمود:

يَقُولُ: لَمَّا وُلِدَ الْخَلْفُ الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سَطَعَ نُورٌ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَهُوَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَكِيمُ «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ» الْإِسْلَامُ.^۳

فَاسْتَوَى وَلِيُّ اللَّهِ جَالِسًا فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَقَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ انْطِقْ بِقُدْرَةِ اللَّهِ فَاسْتَعَاذَ وَلِيُّ اللَّهِ عليه السلام مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَاسْتَفْتَحَ:

۱. فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى صلی الله علیه و آله، ص ۱۲۹.

۲. تاسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۹.

۳. سورة آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ^۱ وَ صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام واحداً واحداً.^۲

هنگامی که حجت منتظر متولد شدند، نوری از بالای سرشان ساطع گردید و حضرت عرضه می داشتند: خداوند!! به یگانگی تو اعتراف می کنم و گواهی می دهم که ملائکه آسمان و صاحبان علم، به عدل و داد قیام می کنند، و نیست خدایی جز او که حکیم و مقتدر است. خداوند!! تنها دینی که نزد تو اعتبار و رسمیت دارد، فقط اسلام است.

پس حضرتش سر از سجده برداشت. امام حسن عسکری علیه السلام دست مبارکش را بر سر فرزند عزیزشان کشیدند و فرمودند: «فرزندم! به قدرت الهی سخن بگو». آنگاه امام عصر علیه السلام پس از استعاذه از شیطان رجیم، با نام خداوند متعال آغاز به سخن فرموده و این آیه شریفه را تلاوت کردند:

و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان گردانیم و آنها را در آن سرزمین مکنّت بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان چیزی را که از آن می ترسیدند، نشان هیم.

و پس از آن به آستان حضرت رسول، امیرالمؤمنین و دیگر ائمه علیهم السلام یک به یک سلام و صلوات فرستادند.

۱. سوره قصص (۲۸)، آیات ۶-۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۷.

مهدی علیه السلام در حدیث لوح فاطمه علیها السلام

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: پدرم به جابر بن عبدالله انصاری گفت: نیازی به تو دارم. چه وقت برای تو آسان است تا با تو خلوت کنم و آن را از تو درخواست کنم؟ جابر به او گفت: هر وقت که شما بخواهید. امام باقر علیه السلام با او خلوت کرد و گفت: ای جابر! آن لوحی که در دست مادرم فاطمه علیها السلام زهرا دختر رسول خدا دیدی چه بود؟ و مادرم درباره آنچه در آن نوشته بود چه فرمود؟ جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تهنیت ولادت حسین علیه السلام بر مادران فاطمه علیها السلام و در دست ایشان لوح سبز رنگی را دیدم که پنداشتم از زمرد است و در آن نوشته‌ای سپید و نورانی مانند نور آفتاب دیدم و گفتم: ای دختر رسول خدا! پدر و مادرم فدای شما باد! این لوح چیست؟ فرمود: این لوح را خدای تعالی به رسولش هدیه کرده است و در آن اسم پدر و شوهر و دو فرزندم و اسامی اوصیایی که از فرزندانم هستند ثبت است، رسول خدا آن را به من عطا فرموده است تا بدان مسرور گردم.

جابر می‌گوید: مادر شما آن را به من عطا فرمود و آن را خواندم و از روی آن استنساخ نمودم. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: آیامی توانی آن را به من نشان بدهی؟ گفت: آری، و پدرم با او رفت تا به منزل جابر رسیدند و صحیفه‌ای از پوستی نازک نزد پدرم آورد. پدرم فرمود: ای جابر؟ تو در کتابت بنگر تا من آن را برایت بخوانم. جابر در کتابش نگریست و پدرم آن را برایش خواند و قسم به خدا که با

هم حتی در حرفی اختلاف نداشتند. جابر گفت: به خدا سوگند گواهی می‌دهم که در لوح چنین مکتوب بود:^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

این کتابی است از جانب خدای عزیزی حکیم، برای محمد، نور و سفیر و حجاب و دلیل او؛ آن را روح الامین از جانب رب العالمین فرو فرستاده است. ای محمد! اسمهای مرا بزرگ شمار و نعمتهای مرا شکر بگزار و آلاء مرا انکار مکن. من خدای یکتا هستم که هیچ معبودی جز من نیست؛ شکنندهٔ جبّاران و نابود کنندهٔ مستکبران و خوارکنندهٔ ستمگران و قاضی روز جزا. من خدای یکتا هستم که هیچ معبودی جز من نیست، هر که به غیر فضل من امیدوار باشد یا از غیر عدل من بترسد او را عذاب سختی کنم که هیچ یک از عالمیان را چنان عذابی نکرده باشم، پس مرا پرست و بر من توکل نما. من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم جز آنکه وقتی ایامش کامل و مدّتش سپری شد برای او وصی قرار دادم و من تو را بر انبیا فضیلت دادم و وصی تو را افضل اوصیا ساختم و تو را به دو شیل و سبط پس از تو، یعنی حسن و حسین گرامی داشتم، حسن را پس از انقضای ایام پدرش معدن علم قرار دادم و حسین را خازن وحی خود ساختم و شهادت را به او کرامت کرده و سعادت را ختم کار او گردانیدم. او افضل و ارفع شهدا است و کلمهٔ تامّهٔ من با اوست و حجت بالغهٔ من نزد اوست، به واسطهٔ عترت او ثواب می‌دهم و عقاب می‌کنم، اولین عترت او علیّ سید العابدین و زینت اولیای پیشین است و فرزند او که همان جدّش محمود یعنی محمد و شکافندهٔ علم من و معدن حکمت است، و بعد از آن شکّ کنندگان در جعفر هلاک خواهند شد و کسی که او را ردّ کند مانند کسی است که مرا ردّ کند این قول حقّ من است که مقام جعفر را گرامی دارم و او را

۱. عبدالرحمن بن سالم از ابو بصیر نقل می‌کند که: اگر در دوران زندگانیت تنها همین حدیث را شنیده باشی برای تو کافی است، پس آن را حفظ کن و از غیر اهلش پنهان دار.

حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام ■ ۴۱

در میان دوستان و شیعیان و یارانش شاد سازم، و بعد از او جوانش موسی را برگزیدم، زیرا رشته وصیت من منقطع نشود و حجت من مخفی نگردد و اولیایم هرگز بدبخت نشوند، هشدار که هر کس یکی از آنان را انکار کند، نعمتم را انکار کرده و هر کس آیه‌ای از کتابم را تغییر دهد، بر من افترا بسته است، و وای بر کسانی که هنگام انقضای مدّت دوست و بنده برگزیده‌ام موسی افترا بسته، و انکار کنند که آن کس که امام هشتم را تکذیب کند، همه اولیای مرا تکذیب کرده است. علی، ولی و ناصر من است کسی که ائمه نبوت را به دوش او گذارم و او را به قدرت و شوکت بیازمایم. او را عفریت مستکبری خواهد گشت و در شهری که ذوالقرنین، بنده صالح من، بنا کرده، و در کنار بدترین خلق من، مدفون خواهد شد و بر من فرض است که چشم او را به پسر و جانشینش محمد روشن سازم. او وارث علم و معدن حکمت و موضع اسرار و حجت من بر خلائق است و بهشت را جایگاه او ساختم و شفاعتش را درباره هفتاد تن از خویشانش که همگی مستوجب آتش بودند پذیرفتم و سعادت او را به واسطه فرزندش علی که ولی و ناصر من است ختم می‌کنم. او شاهد در میان خلقم و امین بر روحی من می‌باشد و از صلب او، دعوت کننده به راه و مخزن علمم، حسن، را بیرون می‌آورم. سپس به خاطر رحمتی بر عالمیان سلسله اوصیا را به وجود فرزندش تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب را داراست و دوستانم در زمان او خوار شده و سرهای آنان را هدیه دهند همچنان که سرهای ترک و دیلم را اهداء می‌کنند. آنان را می‌کشند و آتش می‌زنند و آنان خائف و مرعوب و ترسان باشند و زمین از خونهاش رنگین شود و صدای فریاد و شکر از زناشان برخیزد. آنان دوستان حقیقی من باشند و به واسطه آنها هفتاد کور ظلمانی را برطرف سازم و شداید و احوال را زایل نمایم و بارهای گران و زنجیرها را از آنان بردارم. ایشان کسانی هستند که صلوات و رحمت پروردگار بر آنان است، و ایشان هدایت یافتگان هستند.

میراث و مصحف فاطمه (ع) نزد مهدی (ع)

مصحف فاطمه بعد از رحلت رسول اکرم (ص)، در شب جمعه‌ای، بعد از نیمه شب، توسط حضرت جبرئیل، میکائیل و اسرافیل، با تشریفات خاصی به محضر حضرت زهرا (ع) آورده شد، و به عنوان ارمغان گرانبهایی از سوی حضرت احدیت به ایشان تقدیم گردید.

حوادث پیشینیان، حوادث آینده جوامع بشری، اخبار آسمان و زمین، اخبار بهشت و بهشتیان، اخبار جهنم و اسامی دوزخیان، اسامی کسانی که تا روز رستاخیز در روی زمین فرمانروایی می‌کنند، و رفتار آنها - از حق و باطل - در آن مصحف مندرج است. این مصحف هم اکنون در محضر حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، می‌باشد.^۱

۱. دلائل الإمامة، ص ۲۸.

امداد رسانی علمی به شیعیان

زنی به محضر حضرت زهرا علیها السلام شرفیاب شد و عرض کرد: مادری دارم که بیمار و ناتوان است و در نماز خود دچار مشکل می شود؛ مرا به محضر شما فرستاده تا سؤالاتش را با شما در میان گذارم. و پس از آن مرتب سؤالات خود را بیان کرد و حضرت هم همگی را با حوصله جواب دادند. تعداد سؤالات که به ده تا رسید، زن از زیاد شدن آنها احساس شرمندگی کرد و با خجالت عرضه داشت: بیش از این مزاحم نمی شوم.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: هر سؤالی که به نظرت می آید، بگو و از پرسیدن آن شرم مکن. و سپس برای رها کردن او از احساس شرمندگی و ترغیب وی به طرح بقیه سؤالاتش، فرمودند:

اگر کسی در طول یک روز بار سنگینی را به دوش گرفته و آن را تا پشت بام خانه ها حمل کند و در مقابل، مزدی برابر هزار دینار دریافت کند، آیا با این پاداش، باز هم فراوانی رنج و زحمت آن بار سنگین، حمل کردنش را بر او سخت و ناگوار می کند؟ زن گفت: نه.

حضرت هم فرمودند:

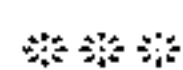
من هم مزدوری می کنم^۱ و خویشتن را اجیر و مزدور خداوند

۱. مزدور به کسی گفته می شود که در ازای انجام کاری برای کسی، از او مزد می گیرد.

۴۴ ■ امام مهدی علیه السلام و بانوان حریم ولایت

متعال قرار داده‌ام. مزد و اجرت من در ازای پاسخ دادن به هر کدام از سؤالات به مراتب بیش از کل مرواریدهایی است که بین آسمان و زمین را پر کند؛ پس من از آن باربر سزوارترم که از پاسخ دادن به پرسشهای تو، احساس رنج و ملال نکنم.

سپس در ادامه به نقل روایتی مفصل و شنیدنی درباره فضیلت و ارزش دانش و دانشمندی از پدر بزرگوارشان حضرت ختمی مرتبت علیه السلام می‌پردازند.^{۱ و ۲}



نگاهی گذرا به مجموع توقیعاتی که از ناحیه امام زمان علیه السلام برای شیعیان آمده، می‌رساند که امام غایب چون پیشوای حاضر، کمال مراقبت و دلسوزی را نسبت به دوستان و پیروان خود دارد و به هدایت ره‌جویان و تربیت نفوس و معرفی ثواب اربعه و افشاکری مدعیان کاذب نیابت علمی و عملی قیام می‌فرماید؛ به طوری که درماندگان و گرفتارانی که صمیمانه از او یاری طلبیده‌اند گشایش کار و حل مشکل خود را دیده‌اند و دانش‌طلبانی که در معضلات علمی و دینی درمانده‌اند از اشراقات و الهامات حضرتش روشن و هدایت یافته‌اند. همه این فیوضات را به صورت پاسخ پرسش‌ها در توقیعات صادره از ناحیه مقدسه می‌بینیم.

علاوه بر اینها نهان‌بینی و رازگویی و اخبار از غیب در بسیاری از توقیعات وجود دارد، که نه تنها موجب اطمینان خاطر بیشتر برای مردم آن زمان بلکه برای خواننده امروز هم می‌شود، و می‌فهمد که چگونه امام با دانشی که از گنجینه علم الهی بآرور شده است، بر ضمائر اشراف دارند و قصد و نیت اشخاص را می‌دانند، و از پسر یا دختر بودن مولود و روز مرگ افراد باخبر بوده و پیشاپیش آن را اعلام می‌فرمایند؛ از حلال یا حرام بودن مالی که به حضورش

۱. ادامه مطلب را در فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله، ص ۴۰۲ یا فرهنگ فاطمیه، صص ۲۷-۲۶ مطالعه کنید.

۲. نمونه بسیار جانب دیگری از امداد رسانی‌های علمی حضرت زهرا علیها السلام را در کتاب فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۴۰۰ و فرهنگ فاطمیه، ص ۱۰۳ مطالعه کنید.

حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام ■ ۴۵

تقدیم شده خبر می دهند و حرام آن را رد نموده و اگر تقدیم کننده نام خود را بر خلاف بنویسد از دانش امام پنهان نمی ماند و حقیقت به او یادآوری می شود. اینها همه اندکی از تجلیات مقام ولایت است که از آینه توقیعات نمایان شده است.^۱

از جمله این توقیعات، توقیع بسیار مفصلی است که به افتخار محمد بن عبدالله حمیری، احمد بن اسحاق قمی صادر شده و ضمن آن، حضرت به بسیاری از سؤالات آنها پاسخ داده اند. برای مطالعه این توقیعات می توانید به کتاب ارزشمند *تحفه امام مهدی علیه السلام* (مجموعه فرمایشها، توقیعات و ادعیه حضرت صاحب الزمان علیه السلام) اثر مرحوم محمد خادمی شیرازی از همین انتشارات مراجعه کنید.

۱. ز.ک: مجله موعود، ش ۳۲، ص ۶۳.

طلب یاری از مردم

از جمله اقدامات حضرت زهرا (س) طلب یاری از مردم برای احقاق حق و دفاع از ولایت و خلافت بود. در برخی از روایات آمده است که ایشان تا چهل شب به خانه مهاجران و انصار سرکشی کرده و یاری می طلبیدند؛ هر چند که جوابی جز سکوت و بی اعتنائی دریافت نمی کردند.

روزی ایشان خطاب به مهاجران و انصار فرمودند:
ای جماعت مهاجران و انصار! خدا را یاری کنید؛ به درستی که من دختر پیامبر شما هستم. شما که با رسول خدا (ص) در روز بیعت، بر دفاع از ایشان و فرزندانشان، همانند دفاع از خود و فرزندانستان بیعت کردید، پس به بیعت خود با رسول خدا (ص) وفا کنید [و از ما حمایت نمایید].^۱

حضرت علی (ع) شبها حضرت فاطمه (س) را سوار بر چهارپایی کرده و به در خانه انصار می بردند و از ایشان طلب یاری می کردند.^۲

صبح روز ظهور قائم آل محمد (ع)، ایشان به مسجد الحرام وارد شده و دو رکعت نماز در میان کعبه و مقام به جای می آورند و پس از دعا به درگاه الهی به نزدیک کعبه رفته و با تکیه بر حجر الاسود رو به جهانیان کرده و اولین خطبه تاریخی خویش را پس از

۱. نهج الحیاة، ص ۲۸۶.

۲. فاطمة زهرا (س)، شادمانی دل پیامبر (ص)، ص ۴۶۸.

حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام ■ ۴۷

حمد خداوند و سلام و صلوات بر آستان با عظمت معصومان علیهم السلام
چنین انشا می کنند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا نَشْتَصِرُ اللَّهَ وَ مَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ، فَإِنَّا
أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ...^۱

ای مردم! ما برای خداوند [از شما] یاری می طلبیم و کیست که ما
را یاری کند؟ آری ما خاندان پیامبران محمد مصطفی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
هستیم و سزاوارترین (نزدیک ترین) مردم نسبت به خدا و
ایشان. هر کس با من در رابطه با آدم مراجعه کند من سزاوارترین
[و نزدیک ترین] مردم نسبت به اویم و همین طور راجع به نوح و
ابراهیم و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دیگر پیامبران و کتاب خداوند که نسبت به
هر کدام، از دیگر مردم اولی و نزدیکتر هستم.

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

تبرک به تربت دو سید الشهداء (ع)

در تاریخ اسلام به دو شهید بزرگوار خاندان بنی هاشم لقب سید الشهداء داده شده است: حضرت حمزه (ع) عموی رشید پیامبر اکرم (ص) و امام حسین (ع).

پس از شهادت حضرت حمزه (ع)، صفیه، خواهر ایشان به همراه حضرت زهرا (ع) در کنار پیکر پاک و مثله شده‌شان قرار گرفته، می‌گریستند؛ پیامبر اکرم (ص) هم با ایشان همراهی کرده و خطاب به حضرت حمزه (ع) فرمودند:

هیچ مصیبتی مثل مصیبت تو به من نرسیده است.^۱

حضرت فاطمه (ع) مرتب بر سر آن قبر شریف می‌رفتند و پس از آنکه حضرت رسول (ص) به ایشان تسبیحات معروف به تسبیح حضرت فاطمه (ع) را - که پس از نمازها خوانده می‌شود - آموختند، از تربت مبارک حضرت حمزه (ع) برای خویش تسبیحی ساختند اندکی بعد مردم هم از آن حضرت تبعیت کردند و برای خود از تربت حضرت حمزه (ع) تسبیح ساختند.^۲

از حضرت مهدی (عج) درباره تربت قبر مطهر امام حسین (ع) سؤال شد که آیا مجاز است آن را با مرده در قبرش قرار دهند؟
حضرت پاسخ داد:

۱. زندگانی فاطمه زهرا (ع) به نقل از مغازی، ج ۱، ص ۲۹۰.

۲. فاطمه زهرا (ع) شادمانی دل پیامبر (ص)، ص ۳۰۳.

يُوضَعُ مَعَ الْمَيِّتِ فِي وَ يُخْلَطُ بِخُيُوطِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.
با مرده در قبرش قرار داده شود و اگر خدا بخواهد به بندهایش
ضمیمه شود.

و باز سؤال شد که: از حضرت صادق علیه السلام برای ما روایت شده
است که: بر کفن فرزندان نوشتند: همانا اسماعیل شهادت می دهد
که معبودی جز الله وجود ندارد. آیا مجاز است که ما آن را با خاک
تربت مطهر امام حسین علیه السلام یا با غیر آن بنویسیم؟

پس حضرتش پاسخ فرمود:

يَجُوزُ ذَلِكَ.

آری این کار مجاز است.

و پرسیدند: آیا بر مرد مجاز است که با تسبیح تربت مطهر سید
الشهداء علیهم السلام تسبیح بفرستد و آیا در این کار فضیلتی وجود دارد؟
حضرت پاسخ دادند:

يُسَبِّحُ الرَّجُلُ بِهِ فَمَا مِنْ شَيْءٍ مِنَ السُّبْحِ أَفْضَلُ مِنْهُ. وَ مِنْ
فَضْلِهِ أَنَّ الرَّجُلَ يَتَّبِعُ التَّسْبِيحَ وَ يَدِيرُ السُّبْحَةَ فَيَكْتُبُ لَهُ
التَّسْبِيحَ.

مرد با آن تسبیح بفرستد و هیچ تسبیحی برتر از آن نیست و از
فضیلت این گونه تسبیحها اینست که اگر فرد، گفتن ذکر و سبحان
الله را فراموش کند و تنها تسبیح را [در دستش] بگرداند برایش
[ثواب] ذکر و سبحان الله گفتن نوشته می شود.

سؤال شد: آیا سجده بر روی مهر تربت جایز است و آیا در این
کار فضیلتی وجود دارد؟

حضرت در اینجا هم پاسخ می دهند:

يَجُوزُ ذَلِكَ وَ فِيهِ الْفَضْلُ^۱

این کار جایز است و در این عمل فضیلت و برتری وجود
دارد.

محروم شدن از ارث پدر و...

پس از فتح خیبر با توجه به اینکه این قلعه بدون درگیری به تصاحب مسلمانان درآمد، در زمرة فیء قرار نمی‌گرفت و تقسیم و تصاحب آن احکام خاص خود را داشت.

به دنبال آن وقتی آیه «و آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»^۱ نازل شد، جبریل امین به رسول خدا (ص) عرض کرد: «فدک را به فاطمه ببخش». پیامبر اکرم (ص) هم نزول آیه و امر الهی را به حضرت فاطمه (س) ابلاغ، و فرمودند: «دخترم! فدک مال توست، در آن تصرف کن؛ هر چند می‌دانم که پس از من آن را غصب می‌کنند و از دست تو می‌گیرند».^۲

امام حسین (ع) در این رابطه فرمودند:

قَائِمُ هَذِهِ الْأَمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَ هُوَ ضَاحِبُ الْغَيْبَةِ وَ هُوَ الَّذِي يُقَسِّمُ مِيرَاثَهُ وَ هُوَ حَيٌّ.^۳

قائم این امت نهمین فرزند از نسل من است همو که پرده‌نشین غیبت است و در حال حیاتش میراث او را تقسیم می‌کنند.

حضرت مهدی (عج) هم از عموی خویش جعفر متحمل زحماتی شدند که یکی از آنها غصب ارث امام عسکری (عج) بود.^۴

۱. سورة اسراء (۱۷)، آیه ۲۶

۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۲۳، بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۱۱۸.

۳. إلزام الناصب، ص ۶۷.

۴. اقدامات جعفر: «جعفر» برادر امام عسکری (عج) برخلاف سیره پدر و برادر گرامی‌اش رفتار می‌کرد، از امام هادی (عج) دربارهٔ پسرش «جعفر» روایت شده است که به بعضی از اصحابش فرمود: «از فرزندانم «جعفر» دوری کنید، چرا که او (در سیره ما نیست و) نسبت به من، به منزلهٔ فرزند نوح است...». سیره الأئمة الاثنی عشر (عج)، ج ۲، ص ۵۳۴.

«جعفر» پس از رحلت امام عسکری (عج) به یک سری اقدامات روی آورد که در

«شان او نبود، اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

- نماز بر پیکر امام (ع): جعفر در آغاز، خواست که بر پیکر امام عسکری (ع)، نماز بخواند که ناگهان امام مهدی (ع) ظاهر گشته و فرمود: «ای عمو! کنار برو، من شایسته‌ترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم». کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۵.

- ادعای امامت و جانشینی جعفر به وزیر عباسی، عبیدالله بن یحیی بن خاقان، گفت: مقام برادرم را به من بدهید، من سالانه مبلغ ۲۰۰۰۰ دینار بابت آن به شما می‌پردازم.

وزیر در پاسخ به این خواسته «جعفر» گفت: «ای احمق! سلطان برای کسانی که گمان می‌کنند پدر و برادر تو امام بودند شمشیر را آماده کرده است، با این وجود موفق نشده است آنان را از این عقیده منحرف نماید، اگر تو نزد شیعیان از همان مقام پدر و برادرت بهره‌مندی نیازی به تأیید سلطان و یا غیر سلطان نداری و اگر آن مقام را نداری سلطان نمی‌تواند این مقام را به تو بدهد».

سپس وزیر، او را مورد اهانت قرار داد و دیگر اجازه نداد که جعفر به نزدش برود، او پس از ناامیدی از وزیر، به نزد سلطان رفت و این خواسته را با او در میان گذاشت و مانند همان پاسخ را از خلیفه عباسی نیز دریافت نمود. همان، ص ۳۷۹.

با توجه به همین ادعای دروغین است که «جعفر» پسر امام هادی (ع) در تاریخ به «جعفر کذاب» معروف شده است.

- ادعای ارث جعفر در اقدامی دیگر کوشید تا اموال امام (ع) را تصاحب نماید، او گفت، برادرش ابو محمد (ع) فرزندی ندارد و تنها وارث برادر او است، حکومت هم اجازه داد تا بر اموال برادر مستند شود، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۵.

- تحریک حکومت برای دستگیری امام مهدی (ع) جعفر با داشتن آگاهی به وجود فرزندی برای برادرش امام حسن عسکری (ع) و پس از ناامیدی از این که خود را جانشین برادر قرار دهد، به معرفی امام مهدی (ع) به حکام عباسی و سعایت از او اقدام نمود، و این پس از ناکام شدنش در برابر هیئت قمی‌ها بود. جعفر از پاسخ دادن به آنان عاجز ماند و برای سعایت از آنان به نزد خلیفه رفت و خلیفه هم به هیئت قمی‌ها گفت: پول‌هایی که برای ابو محمد آورده‌اید به جعفر بدهید آنان گفتند: ما تنها با شرایطی این پول را تحویل می‌دهیم: زیرا مردمی که این پول‌ها را به ما داده‌اند چنین شرطی را قرار داده‌اند، جعفر خواست که خلیفه آنان را زندانی کند، اما خلیفه به خواسته جعفر پاسخ منفی داد و آنان را آزاد نمود.

در خارج شهر، امام مهدی (ع) خادمش را به سوی آنان فرستاد و با دادن نشانی و گزارش‌هایی که حضرت بیان داشت، آنان اموال را تحویل دادند.

جعفر مجدداً به نزد معتمد خلیفه عباسی رفت و گفت که هیئت قمی‌ها اموال را به مهدی (ع) تحویل داده‌اند، به این ترتیب مقدمات هجوم به بیت امام (ع) فراهم شد. آنان منزل امام را غارت کردند، امام (ع) از غفلت آنان استفاده کرد و از منزل خارج شد، اما مادر گرامی حضرت را دستگیر و بازجویی کردند و ...

در اینجا متذکر می‌شویم که امام مهدی (ع) در توقیعی در پاسخ به پرسش یکی از شیعیان درباره عمویش جعفر، به محمد بن عثمان بن سعید غمیری می‌نویسد که عمویش جعفر و فرزندانش؛ مانند برادران حضرت یوسف (ع) سرانجام کار توبه کرده‌اند. (تاریخ عصر غیبت، ص ۲۶۴-۲۶۲) (منتخب الأثر، ص ۲۷۲).

بی‌قراری بر مصایب امام حسین (ع)

حضرت زهرا (ع) که کاملاً از جریان شهادت فرزندان خود خبر داشتند^۱ هنگام خروج ملکوتی خود ضمن اشعاری به فضیه چنین سفارش می‌کردند:

إِئْكِني إِنْ بَكَيْتِ يَا حَيْرُهُادٍ وَ اسْبِلِ الدَّمْعَ فَهُوَ يَوْمَ الْفِرَاقِ
يَا قَرِينَ الْبَتُولِ أَوْ صِيكِ بِالنَّسْلِ فَقَدْتُ أَصْبَحَا حَلِيفًا إِشْتِيَاقِي
إِئْكِني وَ ابْكِ لِلْيَتَامَى وَ لَا تَنْسِ قَتِيلَ الْعِذَا بِطَفِّ الْعِرَاقِ
فَارْقُوا أَصْبَحُوا يَتَامَى جَبَّارِي أَخْلَفُوا اللَّهَ فَهُوَ يَوْمَ الْفِرَاقِ

ای بهترین راهنما! اگر خواستی گریه کنی، بر من گریه کن و اشکهایت را روان ساز که امروز، روز جدایی است.

ای همنشین بتول! تو را به فرزندانم وصیت می‌کنم که همدم شوق و اشتیاقم شده‌اند.

بر من و یتیمانی گریه کن که در سرزمین عراق، کشته دست دشمنان خواهند شد.

جاماندگانی که صبح می‌کنند در حالی که یتیمان سرگردان بیابانند و خدا را سوگند می‌خورند. آن روز، روز جدایی است.

در میان زیاراتی که برای امام حسین (ع) از دیگر معصومان رسیده، شدت بی‌قراری و بی‌تابی بی‌همتایی را در زیارت ناحیه مقدسه حضرت مهدی (ع) به وضوح تمام می‌توان دید. که بخشی مختصر از آن را با هم مرور می‌کنیم.

.... السَّلَامُ عَلَى الْمُنْحَوِرِ فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ

۱. ر. ک: نهج الحياة، ص ۱۸۹.

أَهْلُ الْقُرَى.

السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخَامِي بِلَا
مُعِينٍ، السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ
الْتَرِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الشَّعْرِ
الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، السَّلَامُ
عَلَى الْأَجْسَامِ الْغَارِيَّةِ فِي الْمَلَوَاتِ، تَنْهَشُهَا الذَّنَابُ
الْعَادِيَاتُ، وَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ
قُبَّتِكَ، الْخَافِينَ بِتُرْبَتِكَ، الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ، الْوَارِدِينَ
لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ وَ رَجَعْتُ
الْمُؤَزَّ لَدَيْكَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامُ الْغَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمُخْلِصِ فِي
وِلَايَتِكَ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيِّ مِنْ أَغْدَائِكَ،
سَلَامٌ مَنْ قَلْبُهُ بِمُضَابِكَ مَقْرُوحٌ، وَ دَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ
مَسْفُوحٌ، سَلَامٌ الْمَشْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِيهِ الْمُشْتَكِينِ، سَلَامٌ مَنْ
لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّمُوفِ لَوْ قَاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ، وَ بَذَلَ
حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ، وَ جَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ نَصَرَكَ
عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ، وَ فَذَاكَ بِرُوحِهِ وَ جَسَدِهِ وَ مَالِهِ وَ
وَلَدِهِ، وَ رُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَ أَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَ قَاءً.

فَلَيْتَ أَخَرْتَنِي الدُّهُورَ، وَ عَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورَ، وَ لَمْ
أَكُنْ لِمَنْ خَارَبَكَ مُحَارِباً، وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِباً،
فَلَا تُدْبِتْكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً، وَ لَا بُكَيْنَ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمَاءً،
حَسْرَةً عَلَيْكَ، وَ تَأْسُفاً عَلَى مَا دَهَاكَ، وَ تَلَهُفاً حَتَّى أَمُوتَ
بِلَوْعَةِ الْمُضَابِ، وَ غُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ ...^۱

... سلام بر سر بریده شده در میهمانی [در کنار نهر]، سلام بر کسی که
ساکنان قریه ها او را دفن کردند.

سلام بر کسی که شاهرگش بریده شده، سلام بر مدافع بدون یاور

کمک کننده. سلام بر سپیدموی محاسن خضاب کرده. سلام برگونه و رخسار خاک آلود. سلام بر بدن غسارت شده برهنه. سلام بر دندانهای پیشین به هم کوبیده شده توسط چوب [خیزران]. سلام بر سر افراشته شده. سلام بر جسمهای عریان در بیابانهای پهناور که گرگان درنده آنها را می‌گزند و درندگان که مزه خون و گوشت را چشیده، به گردش می‌گردند.

سلام بر تو ای آقای من و بر فرشتگان بال‌گشوده [که خواستار فرود] اطراف گنبد تو هستند - فرشتگان - بسیار احترام‌کننده به تربت. طواف‌کنندگان صحن و فضایت. واردشوندگان بر زیارتت. سلام بر تو؛ همانا قصد تو کرده‌ام و آرزومند رستگاری نزد تو هستم.

سلام بر تو سلام آشنای به حرمت و مقامت. خالص در ولایت و دوستی‌ات. نزدیکی جوینده به خداوند به وسیله محبت. دوری جوینده از دشمنانت. سلام کسی که قلبش به مصیبت و سختی تو زخمی و مجروح و اشکش در هنگام یاد تو ریزان است. سلام دردمند گرفته و محزون و شیدای فروتن. سلام کسی که اگر با تو در کربلا بود تو را با جاننش از تیزی شمشیرها نگاه می‌داشت. و باقی‌مانده روحش - عسرش - را برای تو در معرض مرگ می‌انداخت. و در پیش رویت کارزار می‌کرد و تو را در برابر آنانی که بر تو هجوم آورده و شوریده بودند یاری می‌کرد، و روح و جسد و مال و فرزندش را فدای تو می‌نمود و روحش فدای روح و خانواده‌اش نگاهمدار و مدافع خانواده‌ات باد.

پس اگر روزگار [ولادت] مرا به تأخیر انداخته و مقدرات مرا از یاری‌ات دور کرده و در برابر کسانی که با تو کارزار کردند، مبارزه نکردم و با کسانی که با تو دشمنی کردند، ستیز ننمودم، پس صبح و شام برایت ناله می‌کنم و به جای اشک برایت خون می‌گیرم؛ برای حسرت بر تو و اندوه و تأسف بر آنچه تو را گرفتار کرد و شعله‌ور و در سوز و گداز تا اینکه [از] بی‌قراری سختی‌ها و مصیبت‌ها و غصه اندوهگینی [به خاطر از دست دادن فرصت‌ها] بمیرم....

مایه برکت هر خانه‌ای

حضرت مهدی علیه السلام همانام حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌باشند و فاطمه علیها السلام فرزند آن حضرت بوده‌اند، و امام کاظم علیه السلام درباره برکت نامگذاری فرزندان به نام‌های مبارک ایشان فرمودند:

لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدٍ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ
أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنْ
النِّسَاءِ.^۱

در خانه‌ای که یکی از نامهای محمد، احمد، علی، حسن، حسین، طالب، جعفر، عبدالله و یا فاطمه برای بانوان باشد، فقر وارد نمی‌شود.

حضرت مهدی علیه السلام خود در این رابطه فرمودند:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَ شِيعَتِي.^۲
من خاتم اوصیا هستم که خداوند به وسیله من بلا را از خاندان و
شیعیانم برطرف می‌کند.

۱. الکافی، ج ۶، ص ۱۹، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۹۶.
۲. منتخب الاثر، ص ۳۶۰؛ الزام الناصب، ص ۱۰۰.

فرشتگان خادمان آستان

سلمان نقل می‌کند که روزی در خانه حضرت زهرا علیها السلام بودم. دیدم که ایشان نشسته‌اند و آسیایی پیش رویشان است و به وسیله آن مقداری جو را آرد می‌کنند. عمود آسیا خون‌آلود بود و حسین علیه السلام که در آن هنگام کودک شیرخواری بود - در یک سمت خانه بر اثر گرسنگی به شدت گریه می‌کرد. عرض کردم: «ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله خود را این قدر به زحمت نیاندازید؛ فضا، کنیز شما و در خدمت شماست». فرمودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به من سفارش فرموده‌اند کارهای خانه را یک روز، من انجام دهم و روز دیگر فضا، دیروز نوبت فضا بود و امروز نوبت من.»

سلمان می‌گوید: عرض کردم: «من بنده آزاد شده شما هستم و حاضر به خدمت شما یا آسیا کردن جو را به عهده من بگذارید یا پرستاری از حسین علیه السلام را.»

فرمودند: «من به پرستاری حسین علیه السلام سزاوارترم؛ تو آسیا کردن را به عهده بگیر.»

مقداری از جو را که آسیا کردم، صدای اذان بلند شد. به مسجد رفته و نماز را با رسول خدا صلی الله علیه و آله خواندم. پس از نماز جریان را به امیرالمؤمنین علیه السلام گفتم. ایشان، جریان از جای برخاسته و به خانه تشریف بردند و اندکی بعد خندان بازگشتند. حضرت رسول صلی الله علیه و آله علت خنده را پرسیدند، فرمودند: «فاطمه علیها السلام را دیدم که خوابیده و حسین علیه السلام بر روی سینه‌اش به خواب رفته است. آسیا در پیش روی

حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام ■ ۵۷

او، بی آنکه دستی آن را بگرداند، خود به خود می‌گرددید، رسول خدا صلی الله علیه و آله خندیدند و فرمودند:

يَا عَلِيُّ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّارَةً فِي الْأَرْضِ
يَخْدُمُونَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ^۱.

ای علی، آیا نمی‌دانی که خداوند ملائکه‌ای دارد که تا روز
قیامت در زمین سیر می‌کنند و در خدمت محمد و آل محمد
هستند.

يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كُلِّبَ مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ
النَّاسِ، يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ بِعِصَمِ أَنْصَارِهِ، وَ يَنْصُرُهُ
بِآيَاتِهِ، وَ يُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا،
يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا، يَدِينُ لَهُ عَرْضُ
الْبِلَادِ وَ طُولُهَا، لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ، وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صُلِحَ.^۲

در آخر الزمان و شدت روزگار و جهالت مردمان، خداوند
مردی را برمی‌انگیزد که او را با فرشتگانش تأیید می‌کند و
یارانش را محافظت نماید و او را با آیات و معجزات یاری
می‌کند و بر سرتاسر زمین مسلط می‌گرداند، تا همگان در برابر او
خواه ناخواه تسلیم شوند، زمین را با قسط و عدالت و نور و
برهان پر می‌کند، طول و عرض جهان به تسلط او در می‌آید در
روی زمین کافری نمی‌ماند جز اینکه ایمان می‌آورد و شخص
ناشایستی نمی‌ماند جز اینکه به صلاح و تقوی می‌گردد.

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۳۱: بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۸.

۲. منتخب الأثر، ص ۴۸۷: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

همسخن فرشتگان

امام صادق ع فرمودند:

همانا فاطمه ع پس از رسول خدا ﷺ، هفتاد و پنج روز زندگی کردند و در سوگ پدر اندوهی سخت برایشان، وارد می شد؛ جبرئیل پیوسته به حضور ایشان می آمد و در عزای پدر، ایشان را تسلیت می گفت و تسلی بخش خاطر غمینشان می شد و ایشان را از حال و مقام و منزلت پدر و آگاه می کرد و از آنچه که پس از ایشان برای فرزندان شان رخ خواهد داد، باخبر می کرد و امیرالمؤمنین ع همه آنها را مرتب می نوشت که این نوشته ها همان مصحف فاطمه ع است.^۱

آن حضرت به مفضل بن عمر، فرمودند:

... يَظْهَرُ وَخَدَهُ وَ يَأْتِي الْبَيْتَ وَخَدَهُ وَ يَلْجُ الْكَعْبَةَ وَخَدَهُ وَ يَجْنُ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَخَدَهُ، فَإِذَا نَامَتِ الْعُيُونُ وَ غَسَقَ اللَّيْلُ نَزَلَ إِلَيْهِ جِبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ الْمَلَائِكَةُ صُفُوفاً، فَيَقُولُ لَهُ جِبْرَائِيلُ: يَا سَيِّدِي قَوْلُكَ مَقْبُولٌ، وَ أَمْرُكَ جَائِزٌ فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَ عَدَهُ وَ أَوْثَقْنَا الْأَرْضَ نَبَوّاً مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَنِعَمَ أَجْرُ الْعَالَمِينَ.^{۲، ۳}

۱. کوثر ولايت، ج ۸۴

۲. سورة زمر (۳۹)، آية ۷۴.

۳. إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۵۶؛ بشارة الإسلام، ص ۲۶۸؛ يوم الخلاص، ص ۳۱۸.

حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام ■ ۵۹

ایشان [امام مهدی علیه السلام] به تنهایی ظهور می‌کنند و به تنهایی به سوی کعبه رفته و وارد آن می‌شوند و به تنهایی شب را سپری می‌کنند. پاسی از شب که گذشت و چشمها را خواب در ربود جبرئیل، میکائیل و دیگر ملائکه در حالی که به صف ایستاده‌اند، برایشان نازل شده و جبرئیل به حضرت عرضه می‌دارد: سرور من! گفته‌ات مقبول و امرت نافذ است.

حضرت هم دستشان را به چهره او کشیده، و [این آیه را تلاوت] می‌فرمایند:

حمد و سپاس از آن خداوندی است که وعده‌اش را در مورد ما محقق و ما را وارث زمین کرد که در هر کجای بهشت که خواستیم مسکن گزینیم: آه که چه اجر عمل‌کنندگان، خوب [و زیبا] است.

مهدی (ع) سر مستودع زهرا (ع)

در دعای معروف:

الهی بحق فاطمة و آبیها و بعلها و بنیها و السرّ المستودع
فیها أن... [بیان حاجت] ^۱.

سر به ودیعت نهاده شده در وجود حضرت فاطمه (ع)، به
حضرت مهدی (ع) تأویل شده است.

۱. صحیفه الزهراء (ع)، ص ۳۰۵.

بخش دوم

دیگر محارم حضرت مهدی عج

در

آینه حدیث

شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام

یزدگرد به هنگام فرار از مداین - پس از جنگ قادسیه - در برابر ایوان مداین ایستاد و گفت: «ای ایوان، خدا حافظ، من رفتم ولی به سوی تو باز می‌گردم؛ خودم و یا یکی از فرزندانم که هنوز هنگام ظهورش نرسیده است».

سلیمان دیلمی می‌گوید: به خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: تعبیر یکی از فرزندانم در گفتار یزدگرد چیست؟ فرمود:

ذَلِكَ ضَاحِكُكُمْ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ... عَزَّوَجَلَّ - السَّادِسُ مِنْ
وُلْدِي، قَدْ، وَلَدَهُ يَزْدَجَرْدُ فَهُوَ وَلَدُهُ^۱.

مقصود از آن، صاحب شما حضرت قائم علیه السلام است که به فرمان خدا قیام خواهد کرد، او ششمین فرزند من و از تبار یزدگرد است.

حکیمه خاتون علیها السلام عمه امام عسکری علیه السلام و حضرت نرجس علیها السلام مادر امام زمان

نام حضرت حکیمه علیها السلام این بانوی بزرگوار را در چند نوبت از جریانهای مربوط به حضرت مهدی علیه السلام مشاهده می‌کنیم از امام حسن عسکری علیه السلام نقل می‌کنند که فرمود:

قَدْ وُلِدَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَ خَلِيقَتِي مِنْ بَعْدِي،
مَخْتُوناً لَيْلَةَ النُّصَبِ مِنْ شَعْبَانَ، سَنَةِ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ
مِائَتَيْنِ، عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، وَ كَانَ أَوَّلُ مَنْ غَسَلَهُ رِضْوَانُ خَازِنُ
الْجَنَانِ، مَعَ جَمْعٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ بِمَاءِ الْكَوْثَرِ وَ
السَّلْسِيلِ، ثُمَّ غَسَلَهُ عَمَّتِي حَكِيمَةُ، بِثُتٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
الرِّضَا علیه السلام

ولی خدا، و حجت او بر بندگانش، و جانشین. پس از من، در
شب نیمه شعبان، سال ۲۵۵، به هنگام طلوع فجر، ختنه شده از
مادر متولد شد و نخستین کسی که او را غسل داد، «رضوان»
خازن بهشت بود، که با گروهی از فرشتگان مقرب با آب کوثر و
سلسبیل او را شستشو دادند، سپس عمه‌ام حکیمه دختر امام
جواد علیه السلام.

و اما مشروح جریان تولد از این قرار است:

حکیمه خاتون خود فرمودند: امام حسن عسکری علیه السلام کسی را
نزد من فرستاد و پیغام داد:

عمه جان، امشب برای افطار به نزد ما بیا، زیرا امشب شب نیمه

دیگر محارم امام علیه السلام در آینه حدیث ■ ۶۵

شعبان است، و آن شبی است که خدای تبارک و تعالی حجت را، که حجت خدا در روی زمین است، در آن پدید خواهد آورد.

حکیمه می‌گوید: پرسیدم: مادرش کیست؟

فرمود: نرجس.

عرضه داشتم: جانم به فدایت، هیچ اثر حملی در او نمی‌بینم.

فرمود: آری، ولی حقیقت همان است که به تو گفتم.

حکیمه می‌گوید: چون بر نرجس خاتون وارد شدم سلام کردم

و نشستم. نرجس خاتون در برابرم نشست که کفشهایم را در آورد.

و با عنوان ای سرور من، به من عصر به خیر گفت.

گفتم: بلکه شما سرور من و سرور خاندان من هستید.

نرجس خاتون سخنم را قطع کرد و گفت: این چه حرفی است،

عمه جان؟!

گفتم: دخترم خداوند امشب به تو فرزندی عطا خواهد کرد که

آقای دو جهان و سرور دو سرای می‌باشد.

نرجس خاتون اظهار شرمساری کرد. چون نماز عشا را به جا

آوردم، افطار کردم و خوابیدم. در نیمه‌های شب برخاستم و نماز

شب گزاردم، او هنوز خواب بود و هیچ‌گونه ناراحتی نداشت.

هنگامی که از تعقیبات فارغ شدم باز هم خوابیدم. یک بار دیگر

بیدار شدم، دیدم او هنوز خواب است. بعداً او نیز برخاست، نماز

شب را ادا کرد و مشغول استراحت شد.

من به صحن خانه رفتم تا از فرا رسیدن اذان صبح آگاه شوم.

دیدم سپیده نخستین همچون دم‌گرگ پدیدار گشته، ولی نرجس

خاتون خفته بود. اینجا بود که دچار شک و تردید شدم، که ناگاه امام

عسکری علیه السلام، از همانجا که نشسته بود به من بانگ زد:

عمه شتاب نکن، آگاه باش که وعده الهی نزدیک است.

من نشستم و مشغول تلاوت سوره‌های سجده و یس شدم، پس

ناگهان نرجس خاتون مضطرب و هراسان برخاست.

به سوزش دویدم و گفتم: در امان خدا و در پناه نام خدا باشی.

سپس پرسیدم: آیا چیزی حس می‌کنی؟ گفت: آری، عمّه جان. گفتم: بر اعصاب خود مسلط باش و آرامش خود را حفظ کن. که این همان وعده الهی است که به تو نوید داده بودم. حکیمه می‌گوید: یک لحظه من و نرجس را حالت رخوت و بی‌خبری فراگرفت، ناگهان متوجه شدم که نور یزدان قدم در عرصه گیتی نهاده است.

جامه را کنار زدم دیدم که حجت خدا اعضای سجده را بر زمین نهاده. پیشانی بندگی بر آستان معبود گذاشته است.

او را در آغوش کشیدم و دیدم بسیار پاک و پاکیزه است. در همان لحظه صدای امام عسکری (عج) را شنیدم که خطاب به من می‌فرمود: هَلُمِّي إِلَيَّ ابْنِي يَا عَمَّة. عمّه جان پسر من را پیش من بیاور.

حجت خدا را پیش پدر بردم، یک دست خود را پشت و یک دست دیگر را زیر تهیگاه کودک قرار داد و پاهای نورسیده را بر روی سینه‌اش چسبانید. زبان مبارکش را در دهان نوزاد قرار داد، دست مبارکش را بر چشمها، گوشها و مفاصل او کشید. سپس فرمود: پسر من سخن بگو.

حجت خدا بر یکتایی خداوند و رسالت پیامبر اکرم (ص) گواهی داد. آنگاه بر یکایک امامان، از امیرمؤمنان تا پدر بزرگوارش درود فرستاد، و ساکت شد.

امام حسن عسکری (عج) فرمود: عمّه جان او را ببر که به مادرش سلام کند، بعداً به نزد من بیاور.

او را به نزد نرجس خاتون بردم، بر او سلام کرد، آنگاه به خدمت امام (عج) برگردانیدم و در کنارش نهادم.

فرمود: عمّه جان روز هفتم به نزد ما بیا.

حکیمه می‌گوید: فردای آن روز که برای تقدیم سلام به حضور امام حسن عسکری (عج) رفته بودم، جامه را از روی گهواره کنار زدم که مولایم را زیارت کنم، او را ندیدم. عرض کردم: فدایت شوم،

دیگر محارم امام علیه السلام در آینه حدیث ■ ۶۷

سرورم کجاست؟ فرمود:

عمه جان، او را به کسی سپردیم که مادر موسی فرزندش را به او سپرد.

روز هفتم به خدمت امام علیه السلام رفتم و سلام کردم. فرمود: پسر مرا پیش من بیاور.

رفتم و سرورم را در پارچه‌ای که پیچیده شده بود، به خدمتش آوردم. امام حسن عسکری علیه السلام همانند دفعه پیشین زبان در دهان او نهاد. گویی شیر یا عسل به او می‌داد. سپس فرمود: پسر من سخن بگو. لبان نازکتر از گلش باز شد و بر یکتایی خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گواهی داد. و بر پیامبر و ائمه علیهم السلام درود فرستاد. تا به پدر بزرگوارش رسید، آنگاه این آیه را تلاوت نمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ تُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ تُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ، وَ تُرَىٰ فِرْعَوْنُ وَ هَامَانَ وَ جُنُودُهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.

انتقام از دشمنان حضرت زهرا علیها السلام و ام ابراهیم همسر پیامبر صلی الله علیه و آله

امام باقر علیه السلام فرمودند:

أَمَّا لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا، لَقَدْ رُدَّتْ إِلَيْهِ الْخُمَيْرَاءُ حَتَّى يُجَلِّدَهَا، وَ حَتَّى يَنْتَقِمَ لِأُمِّهِ فَاطِمَةَ مِنْهَا.

هنگامی که قائم ما قیام کند، حمیرا رجعت می‌کند و به خدمت آن حضرت آورده می‌شود تا او را حد بزند، و انتقام مادرش حضرت فاطمه را از او بگیرد.

راوی می‌گوید: پرسیدم که فدایت شوم چرا به او حد می‌زند؟
فرمود:

لِفِرْيَتِهَا عَلَى أُمِّ إِبْرَاهِيمَ

به جهت تهمت و افترای که به مادر ابراهیم بسته بود.

پرسیدم: چگونه است که این حد تا زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام به تأخیر افتاد؟ فرمود:

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا رَحْمَةً، وَ يَبْعَثُ الْقَائِمَ نَقْمَةً.

خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برای رحمت فرستاده بود، ولی قائم علیه السلام را برای انتقام خواهد فرستاد.^۱

چون قائم آل محمد علیه السلام ظهور کند انتقام خون همه مظلومان

۱. الايقاظ، ص ۲۴۴: علل الشرایع، ص ۵۸۰. علاوه بر آن ر. ک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۴ و ج ۵۳، ص ۹۰: نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۶۷.

دیگر محارم امام علیه السلام در آینه حدیث ■ ۶۹

تاریخ. به دست آن منتقم الهی گرفته می شود.^۱ و نخستین پرونده‌ای که در دادگاه حکومت حقّه رسیدگی می شود، پرونده «محسن فاطمه» است. تازیانه‌ای بر پیکر قاتلش با دست نیرومند منتقم حقیقی نواخته شود، که اگر بر کوردهای دنیا زده شود، خاکستر گردند.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳: تفسیر بصائر، ج ۴۱، ص ۳۶۱: تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۴۳: إلزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۱.
۲. دلائل الإمامة، ص ۲۹۷ و کامل الزیارات، ص ۳۳۴.

بخش سوم

محارم حضرت مهدی عج

در

آینه تشرفات

منزل حضرت خدیجه علیها السلام، خانه امام و خاله ایشان علیهما السلام

يعقوب بن يوسف اصفهانی می گوید:

در سال ۲۸۱ ق با گروهی از اهل اصفهان، که از اهل سنت بودند، به حج بیت الله الحرام مشرف شدم. وقتی وارد مکه شدیم، بعضی از رفقا خانه‌ای را در کوچه سوق اللیل، که به نام «دار خدیجه و دار الرضا» علیهما السلام معروف بود، کرایه کردند. در آن خانه پیرزنی زندگی می کرد.

هنگامی که وارد خانه شدیم، از آن پیرزن پرسید: چرا این خانه را دار الرضا می گویند؟ و تو با این خانه چه ارتباط و مناسبتی داری؟ گفتم: این خانه، ملک حضرت رضا علیه السلام بوده و من هم از کنیزان این خانواده می باشم. در گذشته حضرت عسکری علیه السلام را خدمت کرده‌ام و ایشان مرا در این جا منزل داده‌اند.

این مطلب را که شنیدم با او انس گرفتم؛ اما موضوع را از رفقای خود که غیر شیعه بودند، پنهان کردم. برنامه من این بود که شبها هر وقت از طواف بر می گشتم، با ایشان در ایوان خانه خوابیده و در را می بستیم و سنگ بزرگی را برای اطمینان پشت در می گذاشتیم.

در همان مدت، شبها روشنی چراغی را در ایوان می دیدم که شبیه به روشنی مشعل بود و مشاهده می کردم که در منزل بدون آن که کسی از اهل خانه آن را باز کند، گشوده می شد، و مردی با قد متوسط، گندمگون، مایل به زردی که در پیشانی اش آثار سجود بود

و پیراهن و لباس نازکی پوشیده و در پایش نعلین بود. با صورتیهای مختلف وارد می شد و به اتاقی که محل سکونت پیرزن بود، بالا می رفت. از طرفی پیرزن به من می گفت: در این اتاق دختری دارم؛ لذا به کسی اجازه نمی دهم بالا بیاید.

من آن روشنی را که شبها در ایوان می دیدم، در وقتی که آن مرد از پله بالا می رفت، در پله و چون داخل اتاق می شد در غرفه می دیدم؛ بدون آنکه چراغی دیده شود. رفقا هم این جریانات را می دیدند؛ ولی گمان داشتند که این مرد، عجزه را «متععه» کرده و به این جهت رفت و آمد دارد. و با خود می گفتند: این جمع، شیعه هستند و متعه را حلال می دانند، در حالی که ما جایز نمی دانیم.

و باز می دیدیم، آن مرد با این که از خانه خارج و یا داخل منزل می گردد، سنگ در جای خود می باشد. در خانه هم در وقت خروج و ورود آن مرد باز و بسته می گردد؛ اما کسی که آن را بگشاید و ببندد دیده نمی شد.

وقتی من این امور را مشاهده کردم، دلم از جا کنده شد و عظمت این قضایا در روحم اثر گذاشت. لذا با آن پیرزن بنای ملاطفت را گذاشتم، تا شاید خصوصیات آن مرد را بدانم. روزی به او گفتم: فلانی، من از تو سؤالی دارم و می خواهم آن را در وقتی که رفقای من نیستند، پرسم و از تو تقاضا دارم که وقتی مرا تنها دیدی از غرفه خود پایین آمده به درخواست من گوش دهی.

پیرزن وقتی خواهش مرا شنید، گفت: من هم می خواستم به تو چیزی بگویم؛ ولی حضور همراهان مانع شده بود.

گفتم: چه مطلبی؟

گفت: به تو می فرماید، (نام کسی را ذکر نکرد و فقط به همین صورت پیغام رساند) با آن جمعی که با تو رفیق و شریک هستند، مخلوط نشو و در کارهایشان مداخله نکن، با آنها مدارا نما و بر حذر باش؛ زیرا دشمنان تو هستند.

گفتم: چه کسی این مطلب را می گوید؟

گفت: من می‌گویم.

در این جا مهابت او مانع شد: یعنی نتوانستم دوباره در این باره از او سؤال کنم گفتم: کدام جمع را می‌گویی؟ (گمان کردم منظورش همراهانم است).

گفت: نه، اینها را نمی‌گویم؛ بلکه آن شرکایی را می‌گویم که در شهر خود، داری و در خانه با تو بودند.

يعقوب بن يوسف (صاحب قضيه) می‌گوید: میان من و جمعی که ذکر کرد، راجع به دین بحثی واقع شده بود؛ لذا آنها سعایت و شکایت مرا نزد حاکم برده بودند. به همین جهت من فرار کردم. وقتی پیرزن این مطلب را آهسته به من گفت، با خود گفتم راجع به امام غایب عج از او سؤالی کنم. پرسیدم: تو را به خدا قسم می‌دهم، آیا ایشان را به چشم خود دیده‌ای؟

گفت: برادر، من او را ندیده بودم. حضرت امام حسن عسکری عج مرا بشارت داد به اینکه او را در آخر عمر خود می‌بینم و به من فرمود: باید او را خدمت کنی. همان طوری که مرا خدمت کردی؛ لذا سالهاست که من در مصر می‌باشم و الآن آمده‌ام^۱؛ یعنی حضرتش مرا با فرستادن نامه و هزینه سفر توسط مردی خراسانی، دعوت کرده است. آن مبلغ سی دینار است و به من امر کرده بود که امسال به حج مشرف شوم. من هم آمده‌ام به امید آن که او را ببینم.

وقتی پیرزن این جملات را گفت، در دل من افتاد که آن مردی که شبها رفت و آمد دارد، باید خود آن حضرت باشد؛ لذا ده درهم را که به نام حضرت رضا عج بود و با خود برای انداختن در مقام ابراهیم آورده بودم، به آن پیرزن دادم و با خود گفتم: دادن به اولاد فاطمه عج افضل است از آن که در مقام انداخته شود و ثواب آن بیشتر می‌باشد.

۱. در نسخه مدینه المعاجز؛ ج ۵، ص ۲۱۲ چنین آمده است: زیرا وقتی از سامرا به دلیلی عازم کشور مصر شدم، خواهرم ترجس خاتون عج ... و آن خادمه به وی گفته بود: «من خانه امام زمان عج هستم». به نقل از میهمان آفتاب، ص ۳۳.

گفتم: اینها را به کسی از اولاد فاطمه علیها السلام بده که مستحق باشد. در نیت من این بود که آن مرد همان حضرت است و این در همها را پیرزن به او خواهد داد.

در همها را گرفت و بالا رفت. بعد از ساعتی برگشت و گفت: می فرماید ما در اینها حتی نداریم؛ بلکه آنها را در جایی که نذر کرده بودی بینداز. لکن این در همها را که به نام حضرت رضا علیه السلام است به ما بده و به جایش در همهای معمولی بگیر و در مقام بینداز.

من هم آن طوری که فرموده بود، عمل نمودم. ضمناً من نسخه توقیع قاسم بن علا را که در آذربایجان صادر شده بود، به همراه خود داشتم. به او گفتم: این توقیع را به کسی که توقیعات امام غایب علیه السلام را دیده و می شناسد، عرضه کن.

گفت: آن را بده. گمان کردم می تواند بخواند؛ لذا نسخه را به او دادم.

گرفت و گفت: این جا نمی توانم بخوانم و با خود بالا برد. بعد برگشت و گفت: صحیح است. سپس فرمود: به تو می فرماید (باز اسم کسی را نبرد) وقتی که بر پیغمبر خود صلوات می فرستی، چه می گویی؟

گفتم، عرض می کنم: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ بِاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ وَ اٰلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ.

گفت: نه. وقتی که بر ایشان صلوات می فرستی نامشان را هم ذکر کن.

گفتم: همین کار را خواهم کرد.

پیرزن رفت و آمد، در حالی که دفتر کوچکی همراهش بود. گفت: می فرمایند هر وقت بر پیغمبر صلوات می فرستی، بر او و اولیایش صلوات فرست، همان طوری که در این دفتر هست. من هم دفتر را گرفته، نسخه نمودم و به آن عمل کردم.

یعقوب بن یوسف می گوید: آن مرد را شبها می دیدم که از غرفه

معارف حضرت مهدی عج در آینه تشرفات ■ ۷۷

پایین می آمد و آن نور هم با او بود و از خانه بیرون می رفت؛ لذا پشت سرش از خانه خارج می شدم. در آن جا نوری دیده می شد؛ اما شخص حضرت را نمی دیدم. تا وقتی داخل مسجد الحرام می شدند.

عده ای از مردم شهرهای مختلف را می دیدم که با لباسهای کهنه به در آن خانه می آمدند و نوشته هایی به پیرزن می دادند. او هم به آنها نامه هایی می داد. آنها با پیرزن مکالمه می کردند و من نمی دانستم که در چه زمینه ای صحبت می کنند. حتی جمعی از ایشان را در مسیر برگشت، بین راه بغداد می دیدم.^۱

۱. العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۹، ص ۷. متن کامل صلوات و توضیحات مفصل، متنوع و جانب درباره آن را در کتاب میهمان آفتاب از همین انتشارات مطالعه کنید.

خون گریستن امام زمان (ع) در مصیبت اسیری حضرت زینب (ع)

حاج ملا سلطانعلی، روضه خوان تبریزی که از عباد و زهاد بوده است، می‌گوید: در عالم رؤیا به محضر والای حضرت امام زمان (ع)، مشرف شدم و عرض کردم مولانا! آیا آنچه در زیارت ناحیه مقدسه ذکر شده است که می‌فرمایید:

فَلَا تُدَبِّتْكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا بِكَيْفٍ عَلَيْكَ بَدَلُ الدَّمُوعِ دُمَاءً
پس هر آینه صبح و شام بر تو ندبه کنم و به جای اشک [در عزایت] خود بگیریم.

صحیح است؟

فرمودند: بلی! عرض کردم: آن مصیبتی که برای آن به جای اشک، خون می‌گریید، کدام مصیبت است؟ آیا مصیبت حضرت علی اکبر (ع) است؟

فرمودند: نه، اگر علی اکبر (ع) زنده بود، او هم در این مصیبت خون گریه می‌کرد!

گفتم: آیا مقصود شما مصیبت حضرت عباس (ع) است؟ فرمودند: نه، بلکه اگر عباس (ع) هم در قید حیات بود، او نیز در این مصیبت خون گریه می‌کرد.

گفتم: لابد مصیبت حضرت سید الشهداء (ع) است؟ فرمودند: نه، حضرت سید الشهداء (ع) هم اگر در حیات بودند، در این مصیبت خون گریه می‌کردند.

معارف حضرت مهدی علیه السلام در آینه تشرفات ■ ۷۹

پرسیدم: پس آن کدام مصیبت است؟
فرمودند: آن مصیبت اسیری حضرت زینب علیها السلام است.^۱

۱. آثار و برکات حضرت امام حسین علیه السلام، ص ۵۱۸ قضیه ۲۵۶؛ برکات حضرت ولی عصر علیه السلام، ص ۲۸۳ به نقل از العبقری الحسان، ج ۱، ص ۹۸.

خروش اهل آسمانها در روز رحلت حضرت زینب (ع) و تسلیای امام زمان (ع) به آنها

سید عالم و مورد اعتماد جلیل، حاج سید اسد الله اصفهانی، مجاور کربلای معلی، در سال ۱۳۱۹ برای مؤلف کبریت / حمر در همانجا نقل کرد که حضرت حجت، امام زمان (ع) در عالم خواب، به وی فرمودند:

از روز وفات عمه‌شان حضرت زینب (ع) اهل آسمانها جمع می‌شوند و خطابه آن مخدّره را که در کوفه خوانده است، می‌خوانند و گریه می‌کنند! و حضرت (ع) باید آنان را ساکت گردانند، که شیرازه عالم از یکدیگر گسسته نشود!^۱

۱. آثار و برکات امام حسین (ع)، ص ۵۱۸ قضیه ۲۵۷.

فرمان امام زمان عج به سوگند دادن به حق حضرت زینب عج و دعا برای فرج

آیت الله حاج میرزا احمد سیبویه، از آقای شیخ حسین سامرای
که از اتقیای اهل منبر در عراق بودند، نقل کردند:
در ایامی که در سامرا مشرف بودم، در روز جمعه‌ای، هنگام
عصر، به سرداب مقدس رفتم. دیدم غیر از من کسی آنجا نیست.
حالی پیدا کردم و متوجه مقام حضرت صاحب الامر عج شدم.
در آن حال، صدایی از پشت سر شنیدم که به فارسی فرمود به
شیعیان و دوستان بگویند که خدا را به حق عمه‌ام، حضرت زینب
عج قسم دهند، که فرج مرا نزدیک گرداند.^۱

۱. آثار و برکات حضرت امام حسین عج، ص ۵۱۹ قضیه ۲۵۸: عنایات حضرت
مهدی عج به علماء و طلاب، ص ۵۹.

فرمان امام زمان علیه السلام به شرکت در مجلس دعای ندبه و تذکر مصایب حضرت زینب علیها السلام

مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج سید صادق شمس نقل کردند:

حدود سال ۱۳۶۲ ش. روزی در محضر آية الله العظمی بهجت، دامت برکاته، بودم و ایشان بیان داشتند: یک طلبه مبتدی به نام سید حسین یزدی در مسجد جمکران توفیق زیارت حضرت حجت، ارواحنا فدا، را پیدا کرده‌اند و حضرت بقية الله علیه السلام به ایشان مطالبی فرموده‌اند. خانه‌ای می‌خواسته‌اند و حضرت به ایشان مرحمت کرده‌اند و همچنین سفارش فرموده‌اند که به مجلس دعای ندبه‌ای که آن سید طلبه می‌رفتند، ترک نکنند. باز امر فرموده‌اند، مصایب عمه بزرگوارم حضرت زینب علیها السلام را در آن مجلس و جاهای دیگر تذکر دهید.^۱

۱. عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، ص ۶۴.

برطرف شدن وبا از شیعیان با زیارت عاشورا هدیه به حضرت نرجس عج

این قضیه توسط مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی، نقل شده است:

اوقاتی که در سامرا مشغول تحصیل علوم دینی بودم، اهالی سامرا به بیماری وبا و طاعون مبتلا شدند و هر روز عده‌ای می‌مردند.

روزی در منزل استاد، مرحوم سید محمد فشارکی، اعلی الله مقامه، بودم و جمعی از اهل علم نیز در آنجا بودند. ناگاه مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی تشریف آوردند و صحبت از بیماری وبا شد و این که همه مردم در معرض خطر مرگ هستند. مرحوم میرزا فرمود: اگر من حکمی بدهم، آیا لازم است انجام شود یا نه؟ همه اهل مجلس تصدیق نمودند و گفتند: بلی.

سپس فرمود: من حکم می‌کنم که شیعیان ساکن سامرا از امروز تا ده روز همگی مشغول خواندن زیارت عاشورا شوند و ثواب آن را به روح شریف حضرت نرجس خاتون وائده ماجده حضرت حجة بن الحسن عج هدیه نمایند. تا این بلا از آنها دور شود! اهل مجلس این حکم را به تمام شیعیان رساندند و همه شیعیان مشغول خواندن زیارت عاشورا شدند.

از فردای آن روز، تلف شدن شیعیان متوقف شد و نلی همه روزه عده‌ای از سنی‌ها می‌مردند؛ به طوری که این امر بر همه آشکار

۸۴ ■ امام مهدی (عج) و بانوان حریم ولایت

گردیده بود. برخی از سنی‌ها از آشناهای شیعه پرسیدند: سبب اینکه دیگر، کسی از شما تلف نمی‌شود، چیست؟
شیعیان به آنها گفته بودند: زیارت عاشورا! آنها هم مشغول شدند و بلا از آنها هم برطرف گردید.
جناب آقای فرید فرمودند: زمانی گرفتاری سختی برایم پیش آمد فرمایش آن مرحوم به یادم آمد. پس از اول محرم سرگرم خواندن زیارت عاشورا شدم. روز هشتم به طور خارق‌العاده‌ای برایم فرج حاصل شد.^۱

۱. آثار و برکات حضرت امام حسین (عج)، ص ۵۶۲، قضیه ۲۸۳.

